



سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم

پدیدآورنده (ها) : نوزری فردوسی، محمد

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات راهبردی زنان :: تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۲۸ (ISC)

صفحات : از ۴۴ تا ۸۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/746739>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- سقط جنین؛ ترجیح حیات مادر یا حیات جنین
- بررسی و نقد نظریه جواز سقط جنین از منظر فقهای امامیه
- بررسی فقهی و حقوقی سقط جنین با رویکردی بر نظریات حضرت امام خمینی (س)
- قاعده تزاحم در سقط جنین درمانی
- مطالعه تطبیقی حق حیات جنین در اسلام و غرب
- بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی
- بررسی فقهی و حقوقی اسقاط جنین
- واکاوی دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی در سقط جنین، ناظر به سلامتی مادر و جنین
- سقط جنین
- بررسی سقط جنین از منظر اسلام
- بررسی فقهی حقوقی سقط جنین ناشی از زنا
- سقط جنین ناشی از زنا به عنف و اکراه

عناوین مشابه

- سقط جنین از نگاه فقه (شیعه) و حقوق کیفری ایران در مقایسه با حقوق کیفری ژاپن
- مطالعه تطبیقی رویکرد فمینیسم اسلامی و امام خمینی (ره) در تحقق حقوق اجتماعی و سیاسی زنان در حکومت اسلامی
- سقط جنین در حقوق انگلیس؛ فرایند قانونی شدن، وضعیت موجود و چشم اندازها
- کیفر سقط جنین در قانون مجازات اسلامی و تعارض آن با ماده ۹۱ قانون تعذیرات
- نقد ادله فمینیستی بر «آزادی سقط جنین به دلیل حقوق اخلاقی مادر و جنین» بر اساس روش شناسی بنیادین در فلسفه اخلاق
- سقط جنین (بررسی تطبیقی در حقوق ایران، حقوق انگلیس و فرانسه فتاوی فقهی)
- واکاوی دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی در سقط جنین، ناظر به سلامتی مادر و جنین
- شرط ارث بری جنین در حقوق ایران، فقه امامیه و سایر مذاهب اسلامی
- تحلیلی بر حق مادران بر سقط جنین به عنوان ناقض حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در حقوق بین الملل با رهیافتی اسلامی
- استقرار رحم و تأثیر آن بر احکام مترتب بر جنین در فقه اسلامی و حقوق موضوعه

سقط جنین

در حقوق اسلامی و فمینیسم

محمد نوذری فردوسی*

چکیده

مسئله سقط جنین همواره نزد دانشمندان حقوق جزا به عنوان یکی از موضوع‌های اساسی حقوق کیفری مطرح بوده است. برخی از فمینیست‌ها این پدیده اجتماعی را به طور مطلق پذیرفته و معتقد به آزادی بی قید و شرط آن هستند. در مقابل، بعضی بر اساس آموزه‌های دینی، سقط جنین را تحت هیچ شرایطی مجاز نمی‌دانند. فقهای امامیه قائل به آزادی نسبی سقط جنین شده‌اند و در موارد محدودی سقط جنین را جایز می‌دانند. در نظام حقوقی ایران که قوانین و مقررات آن برگرفته از فقه امامیه است، برخلاف نظام‌های حقوقی جوامع غربی که سقط جنین را نشانه افتخارآمیز شخصیت و آزادی زن می‌دانند، سقط جنین حرام و مطابق قانون مجازات اسلامی دارای مجازات می‌باشد. در این نوشتار پس از تعریف سقط جنین، انواع سقط جنین و عوامل مؤثر در آن مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، دلایل موافقان و مخالفان فقهای امامیه قبل و نیز بعد از دمیده شدن روح و دلایل فمینیست‌های موافق و مخالف آزادی سقط جنین بیان و بررسی شده و سرانجام قانون سقط جنین در قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته و در پایان خلاصه‌های قانونی و راه‌های رفع آن پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی

زن، مادر، سقط جنین، اسلام، فمینیسم، عسر و حرج.

* _ دانشجوی دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم).

«... من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً و من احياها فکأنما احيا الناس جميعاً...» (مائدة، ۳۳). هر کس انسانی را بدون حق قصاص یا بی آنکه فساد و فتنه ای در زمین کند، به قتل برساند مثل آن است که همه مردم را کشته و هر که نفسی را حیات بخشد مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.

سقط جنین از جمله مسائلی است که از دیرباز در جوامع بشری مطرح بوده و یکی از موضوعات اساسی نظام حقوق کیفری را تشکیل داده است؛ به طوری که در قانون «حمورابی» که قدیمی ترین و کامل ترین قوانین مربوط به حدود ۴۰۰۰ سال پیش است،^۱ از سقط جنین نام برده شده و برای آن مجازات تعیین نموده است.^۲ در ادیان توحیدی نیز سقط جنین منع گردیده و برای حفظ و حمایت از جنین مقرراتی پیش بینی شده است. از جمله در کتاب مقدس، ضربه وارده بر زن حامله که موجب سقط جنین شود، مورد بحث قرار گرفته و برای مجرم، مجازات پرداخت فدیة نامحدود به شوهر زن مقرر شده است. (مغز خروج، ۲۱/۲۲) (ر.ک. نجفی ابرنآبادی و بادامچی، ۱۳۸۱: ص ۸۴).

از دیدگاه اسلام نیز حیات انسان در دوران جنینی و حتی قبل از تشکیل نطفه مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که توصیه می کند، در انتخاب همسر، کیفیت ارتباط جنسی و به نوع رفتار در دوران بارداری توجه شود؛ تا موجب نسلی صالح و تولد نوزادی سالم گردد. در این نگرش، جنین شخصیتی بالقوه و دارای استعداد انسانیت و پیمودن مراحل تکامل انسانی بوده و مانند سایر انسان ها دارای حقوقی از جمله حق حیات است. بنابراین سلب حیات از وی به وسیله سقط جنین در موارد محدود، جرم محسوب می شود و مرتکب آن مستحق مجازات است؛ چرا که موجودیت انسان از زمان پیوند دو سلول جنسی اولیه آغاز می گردد و از بین بردن آن در هر مرحله ای، با توجه به آیه قرآن کریم (مائدة، ۳۳) نابودی انسانیت به شمار می آید.

۱- در خصوص سال های دقیق سلطنت حمورابی اختلاف است. برخی از مورخین تاریخ سلطنت وی را بین سال های ۲۱۲۳ تا ۲۰۸۰ و برخی دیگر بین سال های ۲۰۰۳ تا ۱۹۶۱ دانسته لکن نظر غالب بر آن است که وی بین سال های ۱۷۰۴ تا ۱۶۲۲ قبل از میلاد سلطنت نموده است. (ر.ک. آشوری، ۱۳۷۶: ص ۹۰)

۲- ماده ۲۰۹ قانون حمورابی دیه سقط بر اثر ضرب راده (شاکل) نقره تعیین می نماید. (همان، ص ۱۰۱)

این مسأله در طول تاریخ توجه عده‌ای از اندیشمندان، به خصوص دانشمندان حقوق جزا را به خود معطوف داشته است. در یک بررسی کلی، سه گونه مواجهه در نظام های حقوقی جهان در رابطه با سقط جنین وجود دارد.

پاره‌ای این پدیده اجتماعی را به طور مطلق پذیرفته و معتقد به لغو کلیه محدودیت ها نسبت به سقط جنین و آزادی بی قید و شرط آن هستند. در مقابل، برخی دیگر که بیشتر متأثر از حقوق مذهبی هستند، با سقط جنین مخالف بوده و تحت هیچ شرایطی آن را مجاز نمی شمارند و حفظ جنین را یک تکلیف و وظیفه مطلق می شمردند، لذا حکم به تحریم قطعی و بدون استثناء سقط جنین می دهند و آخرین گروه، دیدگاه میانه اختیار کرده اند و قائل به آزادی نسبی سقط جنین شده اند. این گروه معتقدند سقط جنین در عین حال که اصولاً عمل مجرمانه و ممنوعی است، در شرایط خاص مجاز شمرده می شود. به عقیده آنان در سیر تکوینی جنین مقطعی وجود دارد که حیات انسانی جنین و فردیت وی شروع می شود که جنین شخص تلقی می شود و زمان پیش از آن به اعتبار شخص یا انسان تلقی نشدن جنین، مجوز سقط، آن هم در موارد محدودی که تحت عنوان سقط درمانی یا سقط طبی مطرح است، صادر می شود. (دخید دستجردی، ۱۳۷۲: ص ۷۶)

در نظام حقوقی ایران نیز با توجه به قوت و استحکام باورهای دینی در جامعه و الهام پذیری قوانین و مقررات حقوقی از موازین و احکام شرعی موجود در فقه امامیه، سقط جنین در اکثر موارد، جرم و فقط در موارد محدود جرم محسوب نمی گردد.

در تفکر لیبرالیستی غرب به دلیل اصالت فرد و منافع فردی نه تنها از حق حیات جنین حمایت نمی شود، بلکه برعکس افرادی که اقدام به سقط جنین می کنند از حمایت قانونی برخوردار هستند. (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱: ج ۳، ص ۱۱۹) این رویکرد نتیجه انقلاب جنسی است که حدود سه دهه جامعه غربی را متحول نمود و کلیه رفتارهای مربوط به روابط جنسی، خانواده و ... را تغییر داده است. امروزه غرب از دیدگاهی که سقط جنین را فاجعه‌ای مجرمانه می دانست به دیدگاهی رسیده که سقط جنین را از موارد حقوق بشر و نشانه افتخار آمیز شخصیت و آزادی زن می داند، در حقیقت سقط جنین به یک انتخاب تبدیل شده و هدف از آن آزادسازی جنسی و هوس است. در نتیجه اهمیت ازدواج و رابطه جنسی در حد یک تفریح تقلیل پیدا کرده و هدف اصلی که همانا ایجاد

آرامش و خلق حیات است، به کناری نهاده شده است. (ویلیام مورچیسون، ۱۳۸۳: صص ۶۴-۵۹)

۱- سقط جنین

۱-۱) تعریف سقط جنین در فقه

واژه «جنین» از نظر لغوی به معنای هر چیز پوشیده و مستور است و به بچه تا زمانی که در شکم مادر است، جنین اطلاق می شود. (جزء: ۳۸۰: ج ۱، ص ۷۷۲؛ عمید، ۱۳۷۶: ص ۴۷۳) بنابراین محصول حاملگی (الزبایات و... ۱۹۸۹: ص ۱۴۱) را که مبدأ آن استقرار نطفه در رحم و انتهای آن لحظه ماقبل ولادت است، به دلیل اینکه به وسیله «زهدان» مادر پوشیده شده است جنین نامیده اند. (ابن منظور، ۱۴۱۰: ج ۱۳، ص ۹۳) معادل آن در زبان انگلیسی واژه Fetus یا Foetus می باشد. (آریاپور، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۷۴۴)

فقههای امامیه نیز جنین را به همین معنا استعمال کرده اند. البته فقها در کتاب های فقهی خود به ندرت تعریفی از جنین ارائه نموده اند و در بحث دیه جنین معمولاً به ذکر مراحل مختلف جنین و میزان مجازات آن بسنده نموده اند؛ شهید ثانی در این مورد می فرماید: «الجنین هو الحمل فی بطن امه و سمی به لاستتاره فیه، من الاجتنان و هوالستر فهو بمعنی المفعول» (شهید ثانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۸۸) جنین همان حمل در شکم مادر است که به خاطر استتار و پوشیده بودن آن در شکم مادر، به این نام خوانده می شود. این واژه از ریشه «اجتنان» به معنای پوشش و فعل به معنای مفعول است و واژه «سقط» در لغت عربی به معنای بر زمین افتادن می باشد. (جزء: ۳۸۰: ج ۲، ص ۱۱۹۷) همچنین در اصطلاح فقها به معنای افتادن جنین از درون رحم زن است. (نجفی، بی تا: ج ۴، ص ۱۱۰؛ شهید ثانی، بی تا: ج ۱، ص ۱۲۱) این اصطلاح عام بوده و شامل جنین دختر یا پسر و جنین پس از دمیده شدن روح و پیش از آن می شود. بنابراین «سقط جنین» در اصطلاح فقها عبارت از افکندن یا خارج کردن عمدی جنین از درون رحم مادر و در نتیجه سقط، پایان دادن به حاملگی قبل از موعد طبیعی می باشد، خواه قبل از ولوج روح یا بعد از آن باشد و خواه بر اثر جنایت بر یکی یا بر هر دو باشد. بر همین اساس در فقه، به جای سقط جنین، از تعبیر اسقاط جنین یا حمل استفاده می شود.

در شرع اسلام حیات جنین از هنگام استقرار نطفه در رحم زن و آغاز مراحل رشد و تبدیل شدن آن به علقه، مضغه و... حمایت شده و احکام ویژه‌ای برای سقط در هر یک از مراحل جنین بیان گردیده است. (سید جوادی، فانی و خرمشاهی، ۱۳۸۱: ج ۹، ص ۱۹۹) به طوری که مطابق دیدگاه فقها حتی از بین بردن نطفه که آغاز و منشأ خلقت انسان است، حرام و دیه آن بیست دینار است. هم چنین در متون فقهی با استفاده از آیات (حج، ۵؛ مومن، ۱۴؛ غافر، ۶۷؛ قیامت، ۳۸) و روایات (عملی، ۱۴: ج ۲۹، باب ۲۱، ص ۲۲۹؛ طوسی، ۱۴۱۸: ج ۱۰، صص ۳۳۴-۳۲۵) دوران جنینی به دوران قبل از ولوج روح و پس از ولوج روح تقسیم شده و نظرات مختلفی درباره سقط جنین در هر یک از مراحل بیان گردیده است.

۱-۲) تعریف سقط جنین در فمینیسم

بسیاری از فمینیست‌ها حیات انسان را محدود به زمان تولد تا مرگ می‌دانند و احترام آن را نیز در همین محدوده مطرح می‌کنند. لذا قتل انسان را نیز محدود به کشتن وی در این دوران می‌نمایند. به علاوه تمام فمینیست‌ها در این باره که زنان فرودست هستند و برای آزادی آنان باید استراتژی‌هایی اتخاذ کرد، هم عقیده می‌باشند. (منصورنژاد، ۱۳۸۱: ص ۲۴۸) به طوری که برخی از آنان از جمله «شولامیث فایرستون» «اعلت فرودستی زنان را ظرفیت زیست شناختی آنان برای تولیدمثل می‌داند. (فریدمن، ۱۳۸۱: ص ۳۷) بر همین اساس زنان همواره برای تأمین حق کنترل خود نسبت به باروری و داشتن فرزند در صورت تمایل خود، مبارزه کرده‌اند. (همان، ص ۹۵) بنابراین فمینیست‌ها سقط جنین را حق خود و آن را خاتمه دادن به حاملگی یا پایان دادن وابستگی جسمانی جنین به مادر می‌دانند. (Beauchamp and Walters, 1999: p.239) زیرا معتقدند زنان مالک جسم خویش هستند و اگر جنین موجود در رحم خود را مانع آسایش و رفاه خویش یافتند، به سادگی می‌توانند وی را به قتل برسانند و قانون نیز از آنان حمایت می‌کند. (آیت‌اللهی، ج ۳، ۱۳۸۱: ص ۱۱۹)

۳-۱) سقط جنین در اصطلاح پزشکی

سقوط جنین در اصطلاح پزشکی عبارت است از: خروج یا اخراج جنین پیش از آنکه قابلیت حیات مستقل داشته باشد. با عنایت به اینکه از نظر پزشکی جنین قبل از شش ماهگی قادر به ادامه حیات مستقل نیست، بنابراین اگر تا قبل از ماه ششم بارداری، جنین از رحم خارج شود، آن را سقط تلقی می کنند و از ماه ششم به بعد چنانچه جنین زنده به دنیا بیاید؛ ولی به دلیل نارس بودن زنده نماند، سقط جنین صدق نمی کند؛ زیرا جنین وقتی سقط می گردد که داخل رحم مرده باشد. (عباسی، ۱۳۸۳: ص ۶۷) در اصطلاح سازمان پزشکی قانونی نیز سقط جنین عبارت است از: خارج شدن حاصل بارداری از رحم، در حالی که موجود تکوین یافته، قادر به زندگی در خارج رحم نباشد، یعنی ختم حاملگی قبل از آن که جنین قابلیت زندگی مستقل پیدا کرده باشد که معمولاً تا هفته بیستم حاملگی این عنوان قابل تحقق است. (فضایی، ۱۳۷۳: ص ۵۳۶) بنابراین از نظر پزشکی مهم این است که جنین سقط شده نتواند مستقل از مادر به زندگی خود ادامه دهد. لذا اگر جنین قبل از موعد از رحم مادر خارج شود ولی با دستگاه های پزشکی مخصوص بتوان آن را زنده نگه داشت، سقط جنین صدق نمی کند.

۲) انواع سقط جنین

تقسیم بندی های متعددی، با نگاه های مختلفی، در رابطه با سقط جنین به عمل آمده که عبارتند از:

الف) - تقسیم بندی مبتنی بر عنصر قانونی و مجازات های مترتب بر آن که به سقط جنین مستوجب قصاص، دیه و تعزیر تقسیم می شود.

ب) - تقسیم بندی مبتنی بر عنصر معنوی جرم که به سقط جنین عمدی، غیر عمدی و خطای محض تقسیم می شود.

ج) - تقسیم بندی از نظر سازمان پزشکی قانونی که شایع ترین تقسیم بندی ارائه شده است و به سقط جنین طبیعی (عادی، اتفاقی)، طبی (پزشکی) و جنایی (ضربه ای؛ اعم از عمدی یا شبه عمدی) تقسیم می شود. (عباسی، ۱۳۸۳: ص ۷۳)

همان گونه که اشاره شد سقط از نظر سازمان پزشکی قانونی به اخراج عمدی یا خروج خود به خود حمل پیش از موعد طبیعی وضع حمل، اطلاق می شود. بنابراین با توجه به این تعریف سقط جنین به دو دسته ارادی و غیر ارادی تقسیم می شود.

۱-۲) سقط جنین طبیعی

سقط جنین طبیعی یا غیر ارادی که درصد زیادی از سقط جنین ها را به خود اختصاص می دهد بر اثر عوامل ژنتیکی، محیطی و تأثیر آنها بر ارگان ها و به علل نامعلوم دیگری رخ می دهد. به طوری که گاهی پیشامدهای کوچکی در زندگی مانند احساسات و عواطف شادی بخش یا غم انگیز باعث سقط جنین می شود. در این صورت بین عمل زن و بروز سقط جنین هیچ گونه رابطه سببیتی وجود ندارد و به عبارت دیگر سقط جنین بدون اراده و انجام عمل مادی، اعم از عمدی یا غیر عمدی صورت می گیرد. لذا به این مورد سقط جنین طبیعی، غیر ارادی، عادی یا اتفاقی اطلاق می شود. بدیهی است برای این نوع سقط جنین از نظر حقوقی مجازاتی در نظر گرفته نشده است؛ زیرا این عمل، غیر ارادی و فاقد عناصر عمومی تشکیل دهنده جرم می باشد.

۲-۲) سقط جنین ارادی

منظور از سقط جنین ارادی، سقطی است که یا به دلیل مسائل پزشکی از جمله اینکه ادامه حاملگی جان مادر را تهدید کند یا موجب تشدید بیماری وی شود، صورت گیرد؛ یا عمل آگاهانه شخص نسبت به زن باردار باعث سقط جنین وی شود، خواه این عمل به منظور ساقط کردن جنین باشد یا اتفاقاً منجر به سقط جنین گردد. به سقط جنین با وجود دلایل پزشکی «سقط درمانی» اطلاق می شود. در مورد جواز یا عدم جواز آن قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح دیدگاه های مختلفی از سوی حقوق دانان و فقها بیان شده است که در ادامه مقاله ذکر می شود. سقط جنینی که مشمول تعاریف سقط جنین طبیعی و طبی نباشد، از مصادیق سقط جنین جنایی است. سقط جنین جنایی ممکن است عمدی، غیر عمدی و خطایی محض باشد.

سقط جنین جنایی یا اخراج جنین پیش از موعد طبیعی، ممکن است توسط مادر با دستکاری رحم، خوردن دارو و ضربه عمدی انجام شود یا توسط پزشک و اشخاص دیگری غیر از مادر، با

ترغیب وی به سقط جنین، ایراد صدمه به وی از طریق ضرب و شتم یا بر اثر خطرات ناشی از قصور پزشکی از قبیل بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و عدم مهارت صورت گیرد. (عباسی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۷۶) بدیهی است اصطلاح سقط جنین در این بحث به سقط جنینی اطلاق می شود که ارادی باشد، خواه به دلیل وجود دلایل پزشکی (سقط درمانی) انجام شود و خواه بر اثر عمل آگاهانه نسبت به زن حامله که در نتیجه آن جنین وی سقط شود، صورت بگیرد. (سقط جنایی عمدی)

۳) عوامل سقط جنین

سقط جنین از مسائل پیچیده اجتماعی جهان امروز است که در جوامع توسعه یافته در حال گسترش می باشد. این پدیده از یک سو معلول بی بندوباری های جنسی و از سوی دیگر معلول تمدن جدید و پیشرفت های علمی و صنعتی عصر حاضر به شمار می آید و چهره جوامع مادی را که از زیربنای عقیدتی و اخلاقی ثابتی برخوردار نیستند، آلوده کرده است. بروز پدیده سقط جنین به عوامل بسیاری بستگی دارد که به طور کلی به عوامل فردی و اجتماعی اشاره می شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱-۳) عوامل فردی

گاهی از اوقات سقط جنین جنبه فردی دارد. در میان عوامل فردی می توان به تأثیر جنس، سن جنین و سن مادر اشاره نمود. از نظر جنسیت، بزه سقط جنین از جرائم اختصاصی زنان است. زیرا معمولاً مادران برای جلوگیری از بچه دار شدن، بعد از انعقاد نطفه به دلالتی چون تنظیم خانواده و محدود نگه داشتن تعداد فرزندان، مخفی نمودن روابط جنسی نامشروع قبل از ازدواج رسمی و قانونی و هتک ناموس به عنف با دست کاری رحم، خوردن دارو یا خود زنی اقدام به سقط عمدی جنین می نمایند. سن مادر نیز در ارتکاب این جرم مؤثر است و معمولاً این عمل بین ۲۵ تا ۳۸ سالگی صورت می پذیرد. سن جنین نیز در انجام سقط جنین دخالت دارد. بیشتر سقط های عمدی در ماه های اول و عمدتاً سه ماهه اول انجام می شود. (محقق داماد، ج ۵،

۱۳۷۳: ص ۱۳۲)

۲-۳) عوامل اجتماعی

از عواملی که جنبه اجتماعی دارند و در سقط جنین مؤثرند به بی بندوباری جنسی و روابط نامشروع، اشتغال زنان، وضعیت نابسامان اقتصادی، فقر فرهنگی و عدم آشنایی کامل با وسایل پیشگیری از حاملگی و در نتیجه حاملگی های ناخواسته که در برخی از کشورهای جهان سوم از علل عمده سقط جنین است، می توان اشاره نمود. (معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت، ۱۳۷۰: ص ۲۳۶)

۴) حکم سقط جنین در فقه

علمای اسلام با استفاده از آیات و روایات، با تقسیم دوران جنینی به دوره قبل از دمیده شدن روح و دوره پس از آن، نظریات فقهی مختلفی درباره سقط جنین ابراز نموده اند. سقط جنین به عنوان حکم اولی^۱ در شریعت اسلام، حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۳۲۲ق: ص ۲۸۶) این حکم از مسلمات فقه شیعه بوده و درباره حرمت قطعی سقط جنین به حکم اولی، خواه قبل از ولوج روح^۲ خواه بعد از آن هیچ اختلافی بین فقها وجود ندارد. (محسنی، بی تا، ص ۶۹)

۱-۴) دلایل حرمت سقط جنین

۱-۴) کتاب

بعید نیست آیات حرمت قتل نفس، سقط جنین را هم شامل شود از جمله: «لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» (انعام، ۱۵۱) نفسی را که خداوند حرام کرده جز به حق (مثلاً به حکم قصاص) به قتل نرسانید. بنابراین اگر به جنین، حتی قبل از ولوج روح، نفس اطلاق شود، خداوند کشتن به ناحق و عمدی وی را حرام نموده است. البته فقها در اطلاق کلمه نفس بر جنین اختلاف نظر دارند. برخی آیه را شامل جنینی می دانند که تام الخلقه است و روح در آن دمیده شده باشد و برخی دیگر ادعای کنند جنین از ابتدای تشکیل نطفه، نفس بالقوه است و بعد از چهل روز دارای اعضای چون سر و دست می شود و قبل از چهار ماهگی یعنی قبل از ولوج روح حرکت می کند؛

۱- سقط جنین به حکم ثانوی و در اثر ضرورت در مواردی جایز شمرده شده است که بیان خواهد شد.
 ۲- برخی از فقهای اهل سنت قائل به جواز سقط جنین قبل از ولوج روح هستند. (غانم، ۱۴۲۱ق: ص ۱۶۴)

اما مادر به دلیل اینکه جنین با حجم کوچک، درون کیسه آب رحم شناور است، این حرکات را احساس نمی‌کند. به علاوه امروزه وسایل پیشرفته‌ای وجود دارد که در هفته پنجم می‌توان صدای ضربان قلب جنین را شنید یا حرکت جنین را حتی قبل از هفته پنجم می‌توان مشاهده نمود. حتی بعضی معتقدند، جنین از ابتدای تشکیل نطفه دارای تحرک است. (محسنی، بی تا: ص ۶۰) با توجه به آنچه ذکر شد، بعید نیست آیه کریمه شامل مرحله قبل از ولوج روح بشود و در نتیجه می‌توان به حرمت سقط جنین قبل از ولوج روح قائل شد.

۲-۱-۴) سنت

در روایات زیادی مسأله حرمت سقط جنین به طور خاص مطرح شده که در آنها سقط در هر مرحله‌ای از مراحل جنینی ممنوع و حرام می‌باشد. برخی از این روایات از باب نمونه ذکر می‌شود:

الف) - معتبره اسحاق بن عمار قال: «قلت لابی الحسن (ع) المرأة تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی بطنها؟ قال لا. فقلت: انما هو نطفة، فقال: ان اول ما یخلق نطفة» (علمی، ۴۱۲ق: ج ۲۹، باب ۸، ص ۴۲۵ اسحاق بن عمار می‌گوید از امام کاظم (ع) سؤال کردم: آیا زنی که از ادامه حاملگی خود می‌ترسد، می‌تواند دارویی استعمال کند تا جنین خود را سقط نماید؟ حضرت پاسخ دادند: جایز نیست. اسحاق بن عمار می‌گوید به حضرت عرض کردم، اگر حمل آن زن در مرحله نطفه باشد، چطور؟ حضرت فرمود: منشأ خلقت انسان همان نطفه است (یعنی تفاوتی ندارد).

در این روایت، اسحاق بن عمار شبهه‌ای را مطرح می‌کند که مدت کمی از حاملگی زن می‌گذرد و جنین در اولین مرحله از مراحل رشد جنینی است،^۲ امام در پاسخ، سقط نطفه را ممنوع و حرام اعلام می‌نماید. از اینکه اسحاق در مورد زنی سؤال می‌کند که از ادامه حاملگی خوف دارد و امام سقط را نهی می‌فرماید، معلوم می‌شود حتی در فرض شک، از باب احتیاط در دعاء،

۱- معتبره روایتی است که از نظر سند اشکال دارد، اما همه یا اکثر علما به آن عمل کرده‌اند یا دلیلی بر اعتبارش اقامه شده است. (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ص ۹۱)

۲- در فقه مرحله نطفه‌ای جنین، به دوره ورود و استقرار نطفه در رحم که مدت تقریبی آن ۲۰ روز است، اطلاق می‌شود و از نظر پزشکی ۶۰ تا ۷۰ دقیقه بعد از مقاربت، نطفه منعقد می‌شود و طی چهار روز در رحم مستقر می‌شود و در بیستمین روز به علقه تبدیل می‌شود. (عباسی، ۱۳۸۳: ص ۶۹)

سقط جنین جایز نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق. ص ۲۸۸)

ب) - عن ابی عبیده، قال: «سألت ابا جعفر (ع) عن امرأة شربت دواءً عمدًا و هي حامل ولم يعلم بذلك زوجها، فألقت ولدها، قال فقال: ان كان له عظم و قد نبت عليه اللحم، عليها دية تسلمها الى ابيه، و ان كان حين طرحته علقه او مضغه، فان عليها اربعين ديناراً... (عاملی، ۱۴۲۲ق: ج ۲۶، باب ۸، ح ۱، ص ۳۱). زیاد بن عیسی، ابو عبیده (غروی حانزی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۰۱) از امام باقر (ع) درباره مجازات زن حامله ای که بدون اطلاع شوهرش عمدًا و با علم و آگاهی، دارویی استعمال می کند و بچه اش را سقط می نماید؛ سؤال می کند، امام می فرماید: اگر جنین استخوانش شکل گرفته^۱ و بر آن گوشت روئیده باشد^۲، باید دیه کامل به پدر جنین (شوهرش) پیردازد و اگر جنین هنگام سقط، در مرحله علقه^۳ یا مضغه^۴ باشد، باید ۴۰ دینار (متقال طلا) یا قیمت برده ای را به عنوان دیه به پدر جنین بدهد. ذیل روایت ابو عبیده مشتمل بر مراحل علقه و مضغه است که یقیناً قبل از دمیده شدن روح در جنین می باشد. بنابراین سقط جنین عمدی قبل از ولوج روح که شامل مرحله علقه و مضغه نیز می شود، حرام است. به علاوه روایات زیادی که به حد تواتر یا نزدیک به آن می رسند، حکم وضعی سقط جنین، یعنی وجوب دیه را خواه قبل از ولوج روح و خواه بعد از آن بیان می کنند که به دلالت التزامی بر حرمت سقط جنین دلالت می کنند. (ر.ک. عاملی، ۱۴۲۲ق: ج ۲۹، باب ۸۹، ص ۳۱۲) زیرا دیه برای جبران خسارت حاصل از سقط جنین عمدی جنایی است و سقط عمدی حتی قبل از ولوج روح به جز در مواردی که اجازه آن از سوی شارع مقدس صادر شده^۵، ممنوع و حرام است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: ص ۲۸۶)

۱- از نظر پزشکی مرحله عظام جنین دوره ای است که استخوان های کره مانند به شکل غضروف بوجود می آید. در این مرحله سن جنین تا حدود ۱۲ هفته می رسد و دیه اش ۸۰ دینار است. (ر.ک. عباسی، ۱۳۸۳: صص ۷۰-۶۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۲: ج ۲۹، ص ۳۱۲)

۲- این مرحله دوره رویش گوشت جنین است که جنین تا حدود ۱۶ هفته به بالا عمر نموده است و تا ماه هفتم این رویش گوشت کامل می شود. در این مرحله اگر هنوز روح در او ندیده باشد دیه اش ۱۰۰ دینار و اگر در آن ولوج روح شده باشد دیه اش دیه کامل است. (همان)

۳- مرحله علقه (لکه خون بسته شده) در این دوره جنین به خون جامد و غلیظ تبدیل می شود و تا حدود ۴ هفته از عمرش می گذرد و دیه آن ۴۰ دینار است. (همان)

۴- مضغه گوشت قرمز حاوی رگ های تو خالی آبی رنگ است در این مرحله جنین به صورت گوشت در آمده و تا حدود ۸ هفته از عمرش می گذرد و دیه آن ۶۰ دینار یا معادل آن یک برده است. (همان)

۵- موارد جواز سقط جنین خواهد آمد.

۳-۱-۴) عقل

عقل، حکم به حرمت ظلم می کند و سقط جنین را ظلم فاحش، بلکه از بدترین ظلم ها می شمارد؛ زیرا اقدام به آن در واقع تجاوز به کسی است که قدرت دفاع از خود را ندارد و این گونه تجاوز از نظر عقلی حرام و ممنوع می باشد. (همان)

۴-۱-۴) اجماع

علمای اسلام بر وجوب دیه به عنوان جبران خسارت ناشی از جنایت عمدی بر دیگری اتفاق نظر دارند. وجوب دیه، از دلالت التزامی حکم حرمت جنایت عمدی استفاده می شود. بنابراین سقط جنین که جنایت عمدی علیه موجودی بی گناه است؛ حرام می باشد. (همان، ص ۲۸۷) بنابراین با توجه به دلایل چهارگانه فوق نسبت به حرمت سقط جنین، خواه قبل از ولوج روح و خواه بعد از آن، به حکم اولی هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد؛ گرچه در برخی موارد به حکم ثانوی حرمت آن برداشته می شود. (ر.ک. همان، صص ۲۷۰-۲۳۳)

۲-۴) بررسی و تحلیل

جنین از آغاز مرحله شکل گیری دارای وضعیت «انتولوژیک»^۱ است که وی را به صورت یک انسان، متمایز می کند. (وچید دستجردی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۸۷) به عبارت دیگر از لحظه انعقاد نطفه، جنین دارای شخصیت حقیقی و انسانی بالقوه است. ^۲طبق این دیدگاه سقط جنین به معنی انکار حق حیات موجودی می باشد که هنوز متولد نشده است. لذا سقط در هر مرحله ای از مراحل زندگی جنین، ممنوع است؛ زیرا اقدام به سقط در واقع از بین بردن موجود زنده ای خواهد بود که منشأ انسانی بالفعل است.

1- Ontologic

۲- در حقوق ایران تحقق جرم سقط جنین مستلزم باردار بودن زن است و هدف قانونگذار نیز حمایت از دوران حاملگی در مقابل هر نوع عملی است که مانع دوران طبیعی بارداری شود. بنابراین سقط جنین در هر زمان اعم از این که در اولین روزهای انعقاد نطفه باشد که هنوز شکل و صورتی ندارد یا در روزهای آخر حاملگی انجام پذیرد که شکل انسان کامل را به خود گرفته، تفاوتی ندارد و مستوجب کیفر است.

۵) سقط قبل از ولوج روح

با توجه به آیات و روایات معلوم می شود، جنین دارای حالات متعددی است که از مهمترین آنها می توان به سه مورد اشاره نمود:

الف) - جنینی که خلقتش به صورت انسانی تمام نشده، مثل اینکه نطفه، علقه یا مضغه باشد.
ب) - جنینی که صورت انسانی کامل داشته باشد؛ اما روح در آن دمیده نشده باشد؛ در این حال جنین حیات انسانی ندارد؛ بلکه حیات نباتی دارد که از این جهت مانند میتی است که روح ندارد.

ج) - جنینی که روح در آن دمیده شده باشد به نحوی که در رحم مادر حرکت کند که معمولاً این امر بعد از چهار ماهگی می باشد.

لفظ انسان در دو مورد اول، بر جنین صدق نمی کند، گرچه در حالت دوم جنین به میت شبیه است و شارع هم دیه هر دو را یکی دانسته است. (ذ.ک. عاملی، ۱۴۱۲ق: باب ۲۴، ج ۱، ص ۳۲۵) اما در مورد سوم، عنوان انسان به جنین صدق می کند و کشتن آن، حکم قتل انسان را دارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: صص ۲۸۹-۲۸۸)

بر همین اساس فقهای امامیه در سقط جنین بین حالتی که روح در آن دمیده شده باشد یا دمیده نشده باشد، تفاوت قائل شده اند. اینک موارد جواز سقط جنین قبل از دمیده شدن روح از دیدگاه فقها مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۵) نجات جان مادر

فقهای امامیه به اتفاق آراء معتقدند هرگاه حیات مادر متوقف بر سقط جنینی باشد که روح در آن دمیده نشده و به حد انسان کاملی که بر او لفظ انسان یا نفس محترمه صدق کند، نرسیده باشد سقط آن جایز است؛ زیرا حفظ حیات مادر از نظر شارع مهمتر است. به علاوه حالت اضطرار مادر برای حفظ جان خود موجب رفع حرمت سقط می شود. (صناعی، ۱۳۸۲: ص ۱۱۴)

برخی از فقها خوف خطر جانی مادر که ناشی از ادامه حاملگی باشد را نیز مجوز سقط جنین می دانند؛ زیرا عقلاء در مواردی که غالباً حصول یقین ممکن نباشد، وجود خوف را راه رسیدن

به واقع قرار می دهند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: ص ۲۹۲) بنابراین در صورتی که ادامه حاملگی با علم یا خوف خطر جانی برای مادر توأم باشد، به طوری که یا باید مادر که نفس محترمه ای است، تلف شود یا برای نجات جان مادر، جنین که هنوز روح در آن دمیده نشده سقط گردد؛ مسأله از قبیل دوران امر بین اهم و مهم خواهد بود که علمای علم اصول برای رفع این تراحم قائل به ترجیح امر اهم شده اند. (مظفر، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۱۹۳) در نتیجه برای حفظ جان مادر مجوز سقط جنین صادر می شود. اینک چند نمونه از استفتاءات در این زمینه بیان می شود:

- امام خمینی (ره) در پاسخ این سؤال که زنی حامله است و اکنون یک ماه ونیم از حاملگی اش می گذرد، دکترها می گویند حاملگی برای مادر خطر جانی دارد و موجب فلج شدن وی می شود آیا سقط جایز است؟ می فرماید: «اگر ضرر و خطر جانی برای مادر دارد، قبل از دمیده شدن روح در جنین، اسقاط جایز است» (بی آزار شیرازی، ۱۳۶۱ق: ج ۳، ص ۱۰۱). همچنین ایشان در جواب این سؤال که آیا سقط درمانی در مورد مریضی های پیشرفته ای که ادامه حاملگی برای مادر خطر جانی دارد، البته در صورتی که سن جنین زیر چهار ماه باشد، جایز است؟ می فرمایند: «اگر خوف خطر جانی هست، با تشخیص دکتر مورد وثوق، قبل از ولوج روح مانع ندارد» (بی آزار شیرازی، ۱۳۶۵ق: ص ۱۸۹).

- آیت الله صافی نیز در پاسخ استفتایی در رابطه با ماندن جنین در رحم مادر که باعث مرگ مادر می شود؛ آیا جایز است جنین در شکم مادر را از بین ببرند تا مادر سالم بماند؟ می فرمایند: «بعد از ولوج روح جایز نیست و قبل از ولوج روح در صورتی که حفظ جان مادر متوقف بر سقط باشد، جواز قابل توجیه است. والله العالم» (صافی، ۱۳۶۲ق: ص ۶۵).

- آیت الله خامنه ای نیز در پاسخ این سؤال «در صورتی که ادامه بارداری برای زندگی مادر خطر داشته باشد، حکم سقط جنین چیست؟ می فرماید: «سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح اشکال ندارد» (خامنه ای، ج ۲، ص ۳۸۰). در پاسخ سؤال دیگری با همین مضمون می فرماید: «اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح اشکال ندارد» (همان، ص ۶۳).

۲-۵) حفظ سلامت مادر

در صورتی که ادامه حاملگی باعث بیماری شدید، نقص عضو یا تشدید بیماری مادر شود و از طرفی درمان مادر منجر به سقط جنین شود، برخی از فقها قائل به جواز سقط جنین به منظور مداوا و حفظ سلامت مادر شده‌اند. بنابراین اگر مادر مبتلا به بیماری سرطان باشد و برای درمان نیاز به شیمی درمانی دارد که لازمه اش سقط جنین است، می‌توان مادر را مداوا نمود؛ زیرا حفظ جان مادر به دلیل اهمیت بالاتر رجحان دارد. به علاوه عدم مداوای مادر موجب عسر و حرج یا ورود ضرر به مادر می‌شود که به استناد دو قاعده «لا حرج» و «لا ضرر» حکم اولیه‌ی حرمت سقط جنین برداشته می‌شود. (محسنی، بی تا: ص ۷۵؛ صناعی، ۱۳۸۲: ص ۱۱۴) از طرفی جنین در مرحله قبل از ولوج روح، انسان یا نفس محترمه محسوب نمی‌شود تا مشمول ادله حرمت قتل بشود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: ص ۲۹۳) همچنین بنا به نظر آیت الله فاضل لنکرانی ضرر یا درد غیر قابل تحمل، قبل از دمیده شدن روح، مجوز سقط جنین می‌باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۵۴۸) پس سقط جنین قبل از دمیده شدن روح، به منظور حفظ سلامت جان مادر جایز است.

۳-۵) جنین ناقص الخلقه

گاهی جنین دارای نقص عضو است. این ناهنجاری علل گوناگونی دارد که برخی از آنها مربوط به دوران بارداری می‌باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا نقص عضو یا مبتلا بودن جنین به بیماری شدید، مجوز سقط است؟ بعضی معتقدند اگر یقین به وجود نقص عضو جنین باشد که موجب گرفتاری پدر و مادر و مایه عسر و حرج شدید بشود، بعید نیست اسقاط آن جایز باشد؛ زیرا ادله حرمت سقط جنین منصرف از این مورد است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: ص ۲۹۴؛ همان، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۴۵۳)

برخی دیگر معتقدند اگر ناهنجاری ساختاری جنین به گونه‌ای باشد که صورت انسانی نداشته باشد، می‌توان آن را سقط نمود؛ زیرا دلیلی بر عدم جواز اتلاف جنین غیر انسان وجود ندارد. (محسنی، بی تا: ص ۷۶)

آیت الله خامنه‌ای در پاسخ استفتایی در مورد سقط جنین هایی که مبتلا به بیماری های شدید باشند به طوری که از بدو تولد تا پایان عمر دائماً در وضع مشقت باری به سرخواهند برد

می فرماید: «اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداری چنین فرزندی موجب حرج باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را سقط کنند؛ ولی بنابر احتیاط، دیه آن باید پرداخت شود» (خامنه ای، ۱۳۸۰: ص ۶۴).

۴-۵) جنین ناشی از زنا یا به عنف

حاملگی در اثر تجاوز جنسی قطعاً فشار روحی زیادی به مادر تحمیل می کند. به طوری که هم در دوران حمل و هم بعد از تولد کودک نامشروع، مادر دچار عسر و حرج شدید می شود. لذا بعید نیست در این مورد بتوان قائل به جواز سقط جنین شد. (همان، ص ۷۷)

آیت الله فاضل لنکرانی در پاسخ استفتایی در مورد جواز سقط حمل از زنا به دلیل حفظ آبرو یا آزار جسمی از ناحیه خانواده می فرماید: «بلی، اگر روح در آن دمیده نشده (قبل از چهار ماهگی) و مراحل اولیه را طی می کند، در صورتی که دختر اطمینان دارد و احتمال عقلایی بدهد که اگر جنین را سقط نکند مورد اذیت و آزار غیر قابل تحمل قرار می گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می شود، در چنین فرضی بعید نیست که سقط جنین حرام نباشد» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷: ص ۵۵۰).

۶) سقط جنین بعد از ولوج روح

پس از دمیده شدن روح، جنین مانند زن باردار، انسان کامل محسوب می شود. در زمینه سقط جنین در این مرحله نیز دیدگاه های مختلفی وجود دارد که ذیلاً مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۶) حفظ جان مادر

زمانی که روح در جنین دمیده شده شود، اگر وضعیت به گونه ای باشد که ادامه حاملگی برای زن حامله خطر جانی داشته باشد، برخی قائل به جواز سقط جنین شده اند؛ زیرا مسأله از باب تراحم فرض می شود و برای جان مادر اهمیت بیشتری قائل شده، لذا حفظ آن را ترجیح می دهند (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ج ۹۲، ص ۸۲) زیرا مادر، انسان بالفعل است؛ اما جنین دارای استعداد های بالقوه انسانی است. بنابراین اگر نجات جان مادر از اهمیت بیشتری برخوردار نباشد، حداقل می توان ادعا نمود که احتمالاً نجات وی از نجات جان جنین مهم تر است و همین مقدار ترجیح،

برای حفظ جان مادر کافی است. همچنین ثبوت قصاص در جنایت بر مادر و ثبوت دیه در جنایت، بر جنین خود دلیل اهمیت جان مادر و رجحان حفظ جان وی می باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹۴) در چنین مواردی غالباً امر دایر بین مرگ مادر و جنین، هر دو یا تنها جنین می باشد. بنابراین بعید نیست که در این حالت سقط جنین جایز باشد؛ زیرا با اسقاط آن، مادر زنده می ماند، حال آنکه اگر مادر بمیرد، جنین در شکم وی هم خواهد مرد، چرا که حیات وی وابسته به حیات مادر است (همان، ص ۲۹۵؛ صانعی، ۱۳۸۲: ص ۱۱۷). آیت الله جنّاتی نیز در پاسخ استفتایی در این زمینه می فرماید:

«در کلیه مواردی که وجود جنین موجب خطر و زیان برای مادر باشد و امر دائر بین حفظ جان مادر یا حفظ جنین باشد و از نظر اهل خبره این فرض یقینی است، مادر و پدر می توانند به سقط درمانی رضایت بدهند ولو آن که بعد از نه ماه باشد» (جنّاتی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۲۴۵).

دلیل دیگر برای جواز سقط جنین در این حالت قاعده «اضطرار» است؛ زیرا اطلاق دلیل حرمت محرمات با وجود اضطرار، شامل این مورد می شود. چون مادر برای حفظ جان خود ناچار است، جنین را سقط کند و این اضطرار، حرمت سقط را از بین می برد.

دلیل بعدی، روایاتی است که در خصوص دفاع مشروع بیان شده، از جمله روایت معتبره ابوبصیر از امام صادق (ع) قال: «سألت ابا عبدالله (ع) عن رجل كان راکباً علی دابة فغشى رجلاً ماشياً حتى كاد ان يوطئه، فزجر الماشی الدابة فخرّ عنها فأصابه الموت او جرح؟ قال: ليس الذی زجر بضامن انما زجر عن نفسه» (عاملی، ۱۴۲۲ق: ج ۲۹، باب ۲۱، ح ۳، ص ۵۸) ابوبصیر می گوید از امام صادق (ع) درباره شخصی سؤال کردم که سوار بر مرکبی بود و نزدیک بود عابری را زیر بگیرد، عابر مرکب را ترساند که در اثر آن، مرکب سوار بر زمین افتاده و کشته یا مجروح می شود، آیا در این صورت عابر ضامن است؟ حضرت فرمود: عابر، ضامن نیست؛ زیرا در دفاع از خودش مرکب را رم داده است. از این روایت و امثال آن می توان بر موردی که ادامه حاملگی خطر جانی برای مادر داشته باشد، تطبیق نمود؛ زیرا مادر در دفاع از جان خودش اقدام به سقط جنین می نماید.

یکی دیگر از دلایل جواز سقط جنین در این مرحله، اصل «برائت» است. زیرا دلیل حرمت سقط جنین با دلیل وجوب حفظ نفس برای مادر متعارض است. در نتیجه دو دلیل ساقط

می شوند و اصل برائت جاری می گردد. یعنی مادر می تواند با تمسک به اصل برائت، برای حفظ جان خود، جنین را سقط نماید؛ زیرا حرمت قتل نفس برداشته می شود.

۲-۶) حفظ سلامت مادر

برخی از فقها معتقدند وقتی ادامه حاملگی سلامت مادر را تهدید کند، سقط جنین جایز می شود؛ زیرا اقدام مادر برای معالجه که در نتیجه جنین سقط می شود، از باب وصول ضرر به دیگری می باشد که منع شرعی ندارد. آنچه ممنوع و حرام است، ایصال ضرر به دیگری است. در این حالت چون مادر از باب وظیفه و تکلیف اقدام به مداوای خود می کند، در واقع ضرر و حرج را از خود دفع می کند؛ اگرچه در نتیجه استعمال دارو، جنین سقط گردد. حال اگر مادر برای حفظ سلامت خویش، رأساً اقدام به اخراج عمدی جنین کند، حرام و ممنوع است؛ زیرا افدا کردن جنین برای حفظ سلامتی مجوزی ندارد. (صانعی، ۱۳۸۲: صص ۱۱۶-۱۱۵) چرا که این مورد از مصادیق اضرار عمدی به غیر است. آیت الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی در مورد زنی که در ماه هفتم حاملگی تصادف می کند و نیاز به عمل جراحی فوری دارد به طوری که با بیهوش کردن او جنین وی سقط می شود، می فرماید: «اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جراحی، بیهوشی باشد، مانعی ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ق: ص ۴۵۹).

به علاوه به دلایلی برای جواز سقط جنین جهت حفظ نفس مادر تمسک شد، از جمله روایت معتبره ابو بصیر و...، وجود مرجح در صورت تزاحم، اجرای اصل برائت در صورت تعارض ادله و... در این مورد هم می توان تمسک نمود و در نتیجه سقط جنین بعد از ولوج روح به جهت حفظ سلامت مادر نیز جایز می شود.

در همین رابطه یکی از فقها در پاسخ به این سؤال: «آیا زنی که مبتلا به سرطان رحم بوده و حامله است، می تواند قبل از دادن اشعه برای معالجه، سقط درمانی کند؟» می فرماید: «اگر بقای جنین موجب زیان به مادر می شود، باید سقط نماید و اگر اشعه برای معالجه موجب شفای مادر می شود، اگرچه این امر باعث سقط بچه یا مردن او گردد و حتی بعد از آن که روح در او دمیده شده باشد، لازم است عملی شود» (جناتی، ۱۳۸۲: ص ۲۴۵).

۳-۶) جنین ناقص یا ناشی از تجاوز به عنف

اگر بعد از ولوج روح، ناقص الخلقه بودن جنین تشخیص داده شود یا معلوم شود که حمل، ناشی از تجاوز به عنف می باشد، به دلیل ضرری و حرجی بودن نگهداری حمل و ایجاد مشقت و اذیت نسبت به مادر می توان به ضرورت دفاع از نفس تمسک کرده و حکم به جواز سقط جنین نمود. (قائمی، ۱۳۲۴ق: ج ۱، ص ۱۶۱)

۷) تحلیل دلایل موافقان سقط

دلایلی که برای جواز سقط جنین قبل از دمیده شدن روح بیان شد، قابل دفاع می باشد؛ اما دلایلی که برای سقط جنین بعد از دمیده شدن روح بیان گردید، به نظر برخی مخدوش می باشد. برخی از علما در پاسخ به فقهایی که جواز سقط جنین بعد از دمیده شدن روح را از باب تراحم دانسته و جان مادر را ترجیح داده اند، بیان نموده اند: اگر پذیرفته شود که مسأله از باب تراحم است،^۱ اهمیت جان مادر نسبت به جنین باید مورد بحث قرار گیرد؛ زیرا دلیلی بر اهمیت جان مادر نسبت به جنین وجود ندارد. به علاوه مشهور فقها تفاوتی بین مجازات جنایت بر مادر و جنین قائل نشده اند، بلکه در هر دو مورد حکم به قصاص داده اند. (خوبی، ۱۳۹۶ق: ج ۲، ص ۴۱۷؛ نجفی، بی تا ج ۴۳، ص ۳۸۱)

همچنین در پاسخ به دلیل اضطراب مادر، برخی معتقدند اضطراب در صورتی موجب حلیت محرّمات می شود که به قتل منتهی نشود؛ زیرا تقیه که از اسباب اضطراب می باشد، برای حفظ دماء وضع شده است. لذا اگر باعث قتل دیگری بشود، جایز نیست. (ذ.ک. طوسی، ۱۴۱۸ق: ج ۶ ص ۳۳۵، ص ۱۷۶) به علاوه قاعده اضطراب ناظر به رفع ضرورت است؛ اما اگر باعث ضرورتی بالاتر یا همانند آن بشود، نقض غرض لازم می آید. اما استدلال به روایات مربوط به دفاع مشروع و تطبیق آن به مسأله سقط جنین، قیاس «مع الفارق» است؛ زیرا در ماهیت تأسیس حقوقی دفاع مشروع

۱- تراحم در مواردی مصداق پیدا می کند که متعلق امر و نهی دو چیز باشد و تکلیف به هر دو به نحو ترتبی ممکن باشد ولی مکلف در مقام امتثال نتواند بین دو حکم جمع کند و به هر دو عمل نماید؛ حال آنکه در مسأله سقط جنین متعلق امر و نهی یک چیز است؛ زیرا اسقاط (متعلق نهی) همان چیزی است که بواسطه آن جان مادر (متعلق امر) حفظ می شود.

«تجاوز فعلی خلاف قانون و غیر عادلانه» علیه فردی که در موقعیت دفاع مشروع قرار می‌گیرد، دفاع را توجیه می‌نماید و در مورد جنین تحقق این تجاوز غیر ممکن است.

همچنین درباره تمسک به اصل برائت در صورت تعارض دلیل حرمت سقط جنین و وجوب حفظ نفس، در مواقعی می‌توان به این اصل تمسک نمود که منجر به قتل نفس نشود. به علاوه، در صورت وجود قاعده احتیاط در دماء، نوبت به اصل برائت نمی‌رسد و در خصوص سقط حمل بواسطه ناقص الخلقه بودن یا جنین ناشی از تجاوز جنسی، راه دیگری نیز برای مادر وجود دارد؛ زیرا می‌تواند حضانت طفل را به دیگری بسپارد، چرا که نگهداری طفل وظیفه و تکلیف مادر نیست.

صرف نظر از مباحث اخیر در خصوص سقط جنین بعد از ولوج روح، دیدگاه شرع مقدس اسلام در زمینه حقوق جنین دیدگاهی میانه است یعنی هم با آزادی بی‌قید و شرط سقط جنین مخالف است و هم حکم به حرمت مطلق آن نمی‌دهد، بلکه با ارج نهادن به جنین در تمامی مراحل تکامل، هرگونه تعرض و آسیب رساندن به آن را، به جز در موارد استثنایی که در بحث‌های گذشته به آن اشاره شد، نهی نموده است. در این دیدگاه صرف نظر از تفاوت‌هایی که در خصوص پیدایش حیات انسانی در جنین به چشم می‌خورد، بر اصل حمایت از حق حیات جنین به عنوان موجودی که دارای شخصیت انسانی است؛ اتفاق نظر وجود دارد و سقط فقط در موارد محدود و خاص مجاز می‌باشد.

۸) دلایل فمینیست‌های موافق سقط

برخی حیات انسان را محدود به تولد تا مرگ می‌دانند و رعایت حقوق آن را در همین محدوده لازم دانسته‌اند؛ لذا حقوق کودکان را از تولد تا لحظه مرگ مورد توجه قرار می‌دهند، آنان معتقدند اگر زنان جنین موجود در رحم خود را مانع آسایش خویش یافتند، می‌توانند آن را از خود جدا و ادامه سیر تکامل آن را متوقف نمایند. (Kuhse, and Singer, 1998: P.36) امروزه در جوامع لیبرالیستی غربی و جوامع مرفه که از بنیان و زیربنای عقیدتی یا اخلاقی قابل توجهی برخوردار نیستند، سقط جنین از حقوق اولیه اجتماعی زنان شمرده می‌شود و از جمله

آزادی های فردی زنان می باشد. بر همین اساس در دهه های اخیر، سقط جنین در کشورهای اروپایی رفته رفته مشروعیت یافته و در برخی از کشورهای مزبور قانونگذاران به زنان اجازه می دهند که با صرف هزینه ای مختصر که احتمالاً از سوی بیمه نیز تأمین می شود، تا ماه سوم حاملگی بدون هیچ نیازی به دلیل پزشکی، سقط جنین نمایند. (ک. اخلاق پزشکی، ۱۳۷۰: ص ۲۴۴) بسیاری از فمینیست های طرفدار نظریه آزادی مطلق سقط جنین معتقدند کلیه محدودیت ها نسبت به سقط جنین لغو باید گردد و خواستار آزادی بی قید و شرط آن هستند و برای توجیه و اثبات نظریه خود به دلایل ذیل استناد می نمایند:

۸-۱) حق انتخاب زنان

پیروان آزادی سقط جنین برای اثبات عقیده خود به حق انتخاب زنان تمسک می کنند. به عقیده آنان امروزه حقوقی برای زنان شناخته شده که از آن جمله می توان به حق اختصاصی زن برای تصمیم نسبت به ادامه حاملگی یا سقط جنین که بخشی از بدن وی محسوب می شود، اشاره نمود.^۱ (Ibid, P.39) لذا هیچ فردی حتی جامعه حق تحمیل ادامه بارداری به زن را ندارد. طرفداران آزادی سقط جنین در این رابطه تا بدانجا پیش رفته اند که به رسمیت نشناختن این حق برای زن را ردّ انسانیت وی قلمداد کرده اند. «تامسون» یکی از فمینیست های معاصر، معتقد است اگرچه جنین حق حیات دارد؛ اما جامعه نمی تواند زن باردار را مجبور کند تا برخلاف میل خود به جنین متصل بماند و به مدت نه ماه بدنش را به عنوان محفظه پرورش جنین به کار برد. به نظر تامسون واضح ترین مثال، تجاوز به عنف است که در نتیجه آن علیرغم عدم تمایل زن به بارداری ممکن است، لقاح صورت پذیرد که در این صورت متجاوز حقی نسبت به استفاده از بدن زن ندارد. (Ibid, P.42)

۸-۲) حمایت از حیات و سلامت مادر

فمینیست ها معتقدند حفظ جان و سلامت مادر که انسانی بالفعل و کامل است، بر حفظ جنین

۱- به دلیل حرجی بودن نگهداری جنین برای مادر، وی بین تحمل بارداری و اقدام به سقط جنین مخیر است. بنابراین مادر می تواند قطع بارداری را انتخاب نماید.

که انسانی بالقوه است و تا زمان تولد بدون فردیت و شخصیت است، ترجیح دارد. (Ibid, P. 127) بنابراین با به خطر افتادن حیات یا سلامت مادر، وی می تواند اقدام به قطع بارداری نماید که در این حال از مادر حمایت می شود.

۳-۸) کاهش مرگ و میر مادران

آزاد نمودن سقط جنین موجب کاهش مرگ و میر مادران می شود؛ (Beckwith, 1996: PP. 161-162) زیرا ممنوعیت سقط جنین نه تنها تأثیر قطعی در بازداشتن افراد از اقدام به آن نداشته، بلکه موجب افزایش سقط جنین های غیرقانونی و مخفیانه ای می شود که در شرایط غیر بهداشتی انجام می گیرد و باعث مرگ و میر مادران می شود. (مک دونالد و ویلیامز، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۱۱۹) تنه راه حل این معضل، قانونی کردن سقط جنین و به عبارتی بی خطر ساختن آن است، تا زنان بتوانند به طور آزادانه به پزشک متخصص مراجعه و بدون تحمل عواقب ناگوار، اقدام به سقط جنین نمایند.

۴-۸) مادری، کلید سرکوب زنان

اکثر فمینیست ها به شیوه های تأثیر نهادن ظرفیت جسمانی زنان برای بچه دار شدن و موقعیت اجتماعی آنان اشاره کرده اند و حتی برخی از جمله شولامیث فایرستون همین ظرفیت زیست شناختی برای تولید مثل را کلید سرکوب زنان می دانند. (ژ. ک. جین فریدمن، ۱۳۸۱: ص ۳۷) همچنین معتقدند تولید مثل و مادری زنان، باری بردوش آنان است که باید رفع شود. این گروه فمینیست ها به تکنولوژی های جدیدی که فشار تولید مثل زنان را کاهش می دهد، به صورت کلید آزادی زنان می نگرند. (همان، ص ۱۱۰) بر همین اساس مبارزات اولیه فمینیست ها، به ویژه در سال های اولیه فمینیسم «موج دوم»، در راستای به وجود آمدن امکان دسترسی به روش های مطمئن جلوگیری از بارداری و سقط جنین برای همه زنان و در نتیجه اختیار بچه دار نشدن به آنها صورت می گرفت. (همان، ص ۱۱۳)

۱- این موج از اوایل و نیمه دهه ۱۹۶۰ به بعد مطرح شد. طرفداران این موج در رابطه با مفاهیم به بازسازی و انقلاب (نه اصلاح) معتقدند. اینها ساختارهای ایدئولوژیک ریشه داری را که زنان را نسبت به مردان در وضعیت فرودستی قرار می دهند، نقد می کنند. این فمینیست ها مدعی هستند که هدف زنان نباید این باشد که مثل مردان شوند، بلکه آنان باید ایجاد زبان، حقوق و اسطوره شناسی نوین و ویژه زنان را هدف خود قرار دهند. (مساله زن، اسلام و فمینیسم، صص ۲۵۱-۲۵۰)

۵-۸) جنین ناقص الخلقه و نامشروع

برخی از فمینیست‌های معتدل، برخلاف فمینیست‌های تندرو غربی که سقط جنین را در همه موارد مثبت تلقی می‌کنند، آزادی سقط جنین را فقط در مورد جنین‌های ناسالم و ناقص الخلقه و جنین‌های ناشی از روابط نامشروع تجویز می‌نمایند. دفاع آنان در این دو مورد آن است که فرزندان ناسالم زندگی غمباری در پیش خواهند داشت و زندگی خانواده خود را نیز بسیار مشقت بار می‌نمایند. به علاوه هر نوزاد مبتلا به بیماری‌های خاص، هزینه‌های زیادی بر جامعه تحمیل می‌کند که با سقط، می‌توان از آن پیشگیری نمود.

در مورد جنین‌های نامشروع نیز باید به این واقعیت اجتماعی توجه کرد که فرهنگ جامعه، فرزندان نامشروع را نمی‌پذیرد و به مادران آنان نیز با دیده‌ی تحقیر می‌نگرد. چنین افرادی معمولاً توان بازگشت به خانواده و جامعه را ندارند، لذا اقدام به سقط جنین‌های غیربهداشتی می‌نمایند و گاه خود را با مخاطرات جدی روبرو می‌سازند. بنابراین برای جلوگیری از این خطرات باید سقط جنین را برای آنان قانونی نمود. (متسک، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۴۸۱) برخی از فمینیست‌های غربی پارافراتر گذاشته و دولت را مکلف می‌کنند، امکان سقط جنین این افراد را تضمین نماید؛ زیرا معتقدند ممنوعیت سقط جنین برای بسیاری از دختران جوان که با تبلیغات خود، آنان را به مسائل جنسی تشویق می‌کنند؛ اما به لحاظ قانونی حاملگی را ممنوع نمی‌نمایند، زندگی توأم با فقر و ناراحتی به همراه می‌آورد. بنابراین سقط جنین تنها امید برای آن‌ها است. (نگاهی به فمینیسم، ۱۳۷۷: ص ۵۳)

۶-۸) افزایش جمعیت

افزایش جمعیت که امروزه از آن به عنوان انفجار جمعیت نام برده می‌شود، از جمله دلایل اجتماعی است که پیروان نظریه آزادی سقط جنین در توجیه عقاید خویش به آن استناد می‌نمایند. آنان معتقدند دولت‌ها برای مبارزه با معضلات فراوان اجتماعی و اقتصادی ناشی از توسعه بی‌رویه جمعیت چاره‌ای جز کنترل موالید که قاطع‌ترین روش آن سقط جنین است، ندارند. (محقق داماد، ۱۳۷۳: ج ۵، ص ۱۵۴)

۷-۸) سایر علل سقط

برخی از دلایل اقتصادی و اجتماعی دیگری که طرفداران سقط جنین به آن تمسک نموده‌اند عبارتند از:

زیادی فرزندان خانواده؛ مرگ پدر خانواده؛ از کار افتادن نان آور خانواده؛ کمبود درآمد؛ شاغل بودن زن؛ محیط نامساعد خانوادگی و اجتماعی و عدم رضایت از جنسیت جنین می‌باشد.

۹) دلایل فمینیست‌های مخالف سقط

برخی از فمینیست‌های غربی، جنبه‌های بسیار مثبتی برای مادری برشمرده‌اند و استدلال نموده‌اند که مادری یکی از مثبت‌ترین تجربه‌ها و بزرگترین لذت‌ها برای زنان است. از دید این گروه، تکنولوژی نه تنها راه حلی برای کاستن فشار تولید مثل زنان محسوب نمی‌شود، بلکه در واقع، اغلب در تجربه زنان از بارداری و مادری کردن اختلال ایجاد می‌کند و تولید مثل را به یکی از حوزه‌های سرکوب زنان تبدیل می‌کند. (فریدمن، ۱۳۸۱: ص ۱۱۴) این گروه فقط در مورد جنین ناقص الخلقه و جنین ناشی از زنا یا به عنف که قبلاً به آن اشاره شد و نیز در موردی که ادامه حاملگی مستلزم خطر جانی برای مادر باشد، موافق سقط جنین بوده و معتقدند تکلیف و وظیفه نسبت به جنین ایجاب می‌کند که قائل به تحریم قطعی سقط جنین بود، بنابر مطالب فوق‌الذکر دلایل حرمت سقط جنین عبارتند از:

۱-۹) حق حیات جنین

حیات یک موهبت الهی است و کسی حق ندارد آن را سلب نماید و جنین به عنوان یک نفس یا فرد، مانند سایر افراد، از حقوقی که مهمترین آنها حق حیات و زنده به دنیا آمدن است؛ باید برخوردار باشد. لذا هیچ کس حتی والدین حق از بین بردن این انسان بی‌گناه را ندارند.

۲-۹) حق انتخاب جنین

فرد یا نفس بودن جنین مستلزم این است که قائل به حق انتخاب وی در زنده و سالم متولد شدن نیز بوده، لذا اقدام به ختم حاملگی بدون در نظر گرفتن این حق، در واقع ارزش ندادن به

شخصیت انسانی جنین است. گرچه جنین بخشی از تکامل خود را در درون مادر و به طور وابسته به آن می گذراند؛ اما موجودی غیر از مادر می باشد. بنابراین در مالکیت مادر نمی باشد که به دلخواه یا بر اساس مصالح از مادر جدا شود.

۳-۹) عدالت و تجاوز در حق جامعه

مخالفین سقط جنین علاوه بر اینکه صدمه به جنین را مخالف اصل عدالت می دانند، آن را جنایتی در حق جامعه تلقی کرده و نیز جنایت علیه موجودی بی گناه دانسته و در مواردی از آن به عنوان آدم کشی و قتل عمد یاد می کنند. (اشرفی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۳)

۱۰) بررسی دلایل فمینیست های موافق

انسان، نزد خداوند از کرامتی خاص برخوردار است، به طوری که کشتن یک فرد بی گناه به منزله کشتن همه افراد و زنده کردن یک فرد، زنده کردن همه انسان ها به حساب آمده است. «من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً و من احياها فکأنما احيا الناس جميعاً» (مانده، ۳۶)

بنابراین سقط جنین مستقیماً در جهت جلوگیری از تکامل موجودی کریم و شریف است، بدین جهت فقط در موارد بسیار ضروری درمانی، تجویز می شود. پاسخ کلی به توجیه های طرفداران سقط جنین از قبیل اینکه می گویند زن مالک بدن و مسئول سلامت خویش است و می تواند هر طور که بخواهد نسبت به آینده اش، برنامه ریزی کند یا آوارگی بعدی کودکان و تربیت آنان بدتر از سقط جنین است یا اگر سقط جنین آزاد نباشد سرنوشت اطفال نامشروع، پس از تجاوز جنسی چه می شود، این است که ریشه این گونه ناهنجاری های اخلاقی را باید در مسائل دیگری از جمله بی نیازی و استغنائی جوامع فوق صنعتی که آنها را به استضعاف اندیشه های متعالی کشانده است؛ جستجو نمود. «کلان الانسان لیطغی ان راه استغنی» (علق، ۶-۷). لجام گسیختگی جنسی در چنین جوامع به اصطلاح پیشرفته باعث شده که دختران بدون هیچ گونه مانعی با جنس مخالف رابطه نامشروع داشته باشند و بسیاری از آنان به جهت همین

آزادی بی قید و شرط سر به طغیان در برابر خویش و جامعه برداشته، برخی به طرف همجنس گرا و برخی هم متمایل به هر دو جنس شوند. طبیعی است که حاملگی حاصل از این بی بندوباری در آغاز بلوغ با مصالح اجتماعی و مصلحت اندیشی های خانوادگی سازگاری ندارد و زن مجبور است تا زمان ازدواج، سقط جنین نماید. در جامعه ای که پابندی عاطفی و تشکیل خانواده، عقب ماندگی و ارتجاع است و تعدد زوجات را جرم؛ ولی تعدد همبستران را از علائم تجدد و تمدن می شناسند، سقط جنین هم باید آزاد باشد. بنابراین باید این ناهنجاری ها را از ریشه خشکاند و اگر نمی توان جلوی این فساد اجتماعی را گرفت نباید به جرم تازه ای دست زد و از موجودی بی گناه سلب حیات نمود. به علاوه اقدام و مبادرت به این عمل با اهداف شخصی یا اجتماعی، خلاف سیر تکاملی انسان است.

در مورد حق انتخاب مادر و اینکه قاعده «سلطنت»^۱ گویای این حقیقت است که هر کس بر خویشتن سلطه کامل دارد و آزاد است هر آنچه بخواهد و هر گونه بخواهد رفتار نماید، باید مدعی شد حد و مرز حق انتخاب و آزادی و سلطه انسان بر خویشتن تا مرز اتلاف نفس و اضرار به دیگری متوقف می شود. چنانکه در تصرف اموال نیز این آزادی تا مرز تضییع اموال و اسراف و تبذیر محدود است و چون مالکیت انسان بر وجود خود، مالکیتی اعتباری و نه مطلق است، لذا نمی توان به دلخواه خود و بر اساس نیازهای کاذب در عالم وجود خویش تصرف غیر مجاز نمود و بالاخره نمی توان برای رسیدن به هدف به هر وسیله ای متوسل شد؛ زیرا این نوع آزادی ها خلاف عدل است. قائل شدن به آزادی سقط جنین به دلیل مرگ و میر مادران همانند آن است که برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و عوارض و پیامدهای آن، استعمال مواد مخدر آزاد گردد!! بدیهی است جرم زدایی در صورتی معقول است که شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه در نظر گرفته شود و گرنه ممکن است، نقش معکوسی ایفا نماید؛ زیرا زدودن عنوان مجرمانه از برخی رفتارها با آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه پیوند ناگسستنی دارد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ش ۴۶، ص ۹۶) آیا در جامعه اسلامی و دینی سقط جنین یعنی کشتن موجودی بی گناه و بی پناه، از روی اراده و اختیار توسط نزدیکترین افرادی که باید حامی وی باشند و نیز به دستور پزشکی که

۱- الناس مسلطون علی انفسهم و اموالهم.

باید در صدد نجات انسان‌ها باشد نه نابودی آن‌ها، می‌تواند مباح شناخته شود؟ در مورد مادری باید اذعان نمود اگر منظور از مادری کردن صرفاً جنبه اجتماعی باشد، زنان در خصوص مادری کردن حق انتخاب دارند؛ زیرا در این دیدگاه تولید مثل به منزله وسیله سرکوب و مادری کردن همانند باری که زنان باید از قید آن رها شوند، تلقی می‌شود. اما اگر مادری کردن یک غریزه ذاتی و طبیعی و هدیه خدا در نظر گرفته شود؛ در این صورت مادری نه تنها وسیله سرکوب زنان تلقی نمی‌شود؛ بلکه وسیله‌ای برای رشد و تعالی آنان خواهد بود؛ زیرا ثمره مادری کردن حفظ حیات، به دنیا آوردن، پرورش نسل آینده و سرنوشت ساز یک ملت است که برای زنان می‌تواند تجربه لذت - بخشی باشد.

اگر سقط جنین به دلیل جلوگیری از افزایش جمعیت آزاد باشد، چند سؤال مطرح می‌شود، از جمله اینکه آیا راه دیگری برای کنترل جمعیت وجود ندارد؟ آیا جامعه، پزشک، زن و شوهر می‌تواند برای ارتکاب سقط و احقاق حق خود، جنینی را که انسان زیبایی دوست داشتنی است، به حساب نیاورند؟ در حالی که جنین در حد خودش دارای حقوقی است که از حقوق پدر، مادر و پزشک کمتر نیست. بنابراین حق حیات جنین در اختیار جنین بوده و هیچ کس و به هیچ وجه نمی‌تواند آن را سلب نماید.

در مورد سقط جنین ناقص الخلقه یا عقب مانده فکری نیز همین حکم جاری است؛ زیرا حیات حقیقی است که از طرف خداوند به همه موجودات از جمله کودکان عقب مانده ذهنی اعطا شده است و آنان در مراتب وجود خود، مدارج تکامل را طی می‌کنند. با سقط جنین در سیر تکاملی کودک و نیز سیر تکاملی جامعه، در شأنی از شئونش که همان نگاهداری و مراقبت از این کودک‌های بی‌پناه است، مانع ایجاد می‌شود.

در مورد حاملگی در اثر روابط نامشروع یا تجاوز جنسی که قطعاً فشار روحی برای مادر به شمار می‌آید، حق این است که از نظر اصول اخلاقی نمی‌توان به این علت از موجودی که زندگی و تکامل خود را از لحظه انعقاد نطفه آغاز نموده، سلب حیات کرد، حتی اگر نامشروع باشد. برای جلوگیری از سقط جنین، جامعه باید برای از بین بردن زمینه‌های بروز این ناهنجاری‌ها اهتمام ورزد و گرنه پس از شکل‌گیری جنین، نمی‌توان به بهانه‌هایی از قبیل زیادی فرزندان خانواده،

کمبود درآمد و عدم رضایت از جنسیت جنین، حق حیات را از آنان سلب نمود.

۱۱) مبانی آزادی سقط جنین

فمینیست‌ها در این باره که زنان فرودستند و برای آزادی آنان باید استراتژی‌هایی اتخاذ کرد، معتقدند زنان باید با ایجاد زبان و شیوه‌های تفکر جدیدی دربارهٔ هویت خویش، خویشتن را از معانی ستمگرانه‌ای که مردان بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند، رها سازند. فمینیست‌ها علیرغم این اتفاق نظر، در زمینه راه حل علت فرودستی دیدگاه‌های مختلفی ابراز کرده‌اند. فمینیست‌های لیبرال، افشای اشکال بی‌واسطه تبعیض علیه زنان و نیز تلاش برای اصلاحات را مورد تأکید قرار داده‌اند و از نظر رادیکال‌ها راه حل زنان، دستکاری در طبیعت خویش و کسب استقلال و خودمختاری و پیشنهاد زوج آزاد است. (د.ک. منصورنژاد، ۱۳۸۱: ص ۲۶۲) از نگاه فمینیست‌های مارکسیست راه حل، انقلاب فرهنگی‌ای است که به تغییر شکل در اقتصاد بیانجامد و به نظر سوسیال فمینیست‌ها راه حل، محو سلطه مذکر است که مستلزم تغییر شکل در اساس اقتصاد و جامعه است و فمینیست‌های معتدل نیز به سمت آرمان‌های تساوی طلبانه پیش می‌روند و تفاوت‌های زن و مرد در احکام و قوانین را مورد انتقاد قرار می‌دهند. (همان: ص ۲۶۷)

فمینیست‌ها یکی از عوامل مهم فرودستی زنان را ظرفیت زیست‌شناختی برای تولید مثل می‌دانند و معتقدند مادری کردن حاصل عواملی از جمله شرطی کردن اجتماعی بوده و نتیجه‌گریزه ذاتی و طبیعی نیست. (د.ک. فربدمن، ۱۳۸۱: ص ۳۷) بنابراین با تأکید بر بدست آوردن کنترل زنان بر خویش، تأمین قدرت و دانش به منظور بهره‌مند شدن از احساسات جنسی و داشتن فرزند در صورتی که مایل باشند، تأکید می‌ورزند، تا جایی که فمینیست‌ها در اروپا برای تأمین حق کنترل زنان روی باروری شان سقط جنین را مؤثرترین و مطمئن‌ترین راه رسیدن به این هدف تلقی کرده‌اند. آنان به طور ضمنی بر این باورند که آزادی زنان باید با رهایی آنان از خدمت به کودکان و مردان آغاز شود. (افتخاری، ۱۳۸۱: ش ۸۸، ص ۲۴۲)

انقلاب جنسی در غرب حدود سه دهه است که جامعه آنان را به شدت متحول کرده و کلیه رفتارها و رویکردهای مربوط به روابط جنسی و خانواده را تغییر داده است، نتیجه این تحول

ایجاد شادی و لذت بیشتر از طریق «رابطه جنسی بدون تعهد» است. آنان سقط جنین را جزو حقوق بشر و نشانه افتخارآمیز شخصیت و آزادی زن می دانند و دولت ها را مکلف به تضمین امکان سقط جنین می نمایند. (نگاهی به فمینیسم، ۱۳۶۷: ص ۵۶) بدیهی است این نگرش فمینیستی به سقط جنین مبتنی بر دو پیش فرض اساسی می باشد که از درون فرهنگ غربی برآمده است. اولین پیش فرض، محور بودن رفاه مادی است. هدف نهایی برنامه های توسعه به مفهوم غربی آن، دستیابی به این رفاه بوده و توسعه سیاسی و فرهنگی، جاده هایی برای رسیدن به این توسعه به شمار می آیند. در چنین جامعه ای می توان آنچه رفاه فردی یا اجتماعی را محدود می کند، از میان برداشت و بر همین اساس سقط جنین ناقص الخلقه یا نامشروع توجیه می گردد. پیش فرض دوم اعتقاد به آزادی انسان ها است، آزادی به مفهومی که با فردگرایی و اومانیسم به مفهوم غربی آن پیوندی عمیق دارد و برآمده از فرهنگ لیبرالیستی غرب است. بر همین اساس به این دیدگاه می رسند که همه انسان ها آزادند و می توانند آنچه بدان تمایل دارند، انجام دهند و معتقدند زنان از چهار آزادی، روابط نامشروع حتی با همجنس؛ خودارضایی؛ کنترل بر موالید بدون نیاز به هماهنگی با همسر و سقط جنین برخوردار هستند. (دک. متمسک، ۱۳۸۰: ص ۴۸۲)

بر اساس آموزه های اسلامی، هم اصل قرار گرفتن رفاه مادی و هم در اعتبار آزادی به مفهوم غربی تردید وجود دارد. آنچه اسلام بر آن صحه می گذارد؛ دستیابی به آرامش است. زیرا رفاه مادی در بسیاری از اوقات آرامش انسان را تأمین نمی کند و آزادی به مفهوم غربی، زمینه رشد و تعالی فرد و جامعه را محدود می کند و در چنین فضایی انسان ها از امور ارزشمند حیات بشری غافل و به امور بی ارزش یا کم ارزش مشغول می شوند. برای مثال زنان از دینداری عاطفی که باعث می شود آنان از نقش مادری خود یعنی به دنیا آوردن و پرورش کودکان، بیشترین رضایت را داشته باشند، فاصله گرفته و به سوی این دیدگاه که لازمه شکوفایی استعداد زنان، زندگی آنان برای خود و نه کودکانشان می باشد، سوق داده شوند. (افتخاری ۱۳۸۱: ص ۲۴۳)

۱۲) تحلیل قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی

در قوانین جزایی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی تعریفی از سقط جنین ارائه نشده است. اما از فتوای مواد قانونی می توان آن را بدین گونه تعریف نمود: «سقط جنین از نظر حقوقی به انجام هر گونه اعمال مجرمانه ای که موجب وقفه در سیر طبیعی بارداری و از بین رفتن قابلیت حیات جنین در بیرون یا در داخل رحم بشود؛ اطلاق می گردد» (رزماسز، ۱۳۷۹: ص ۳۸-۳۹). لذا منجر به اخراج قبل از موعد طبیعی آن می شود.

در حقوق ایران پیش از انقلاب اسلامی، سقط حمل به جز مواردی که حفظ حیات مادر به آن بستگی داشت، ممنوع بود و قانونگذار، مواد ۱۸۳-۱۸۰ ق.م.ع. (حجتی ۱۳۵۵: ص ۹۶) را که از قوانین فرانسه اقتباس شده، (ویدی، ۱۳۷۳: ص ۱۱۸) به این امر اختصاص داده بود. بر اساس مواد مزبور برای هر شخصی که در ارتکاب این جرم دخالت داشته باشد، خواه به نحو مباشرت یا معاونت، اعم از طبیب، ماما، دارو فروش، افراد غیر متخصص و حتی برای مادری که راضی به سقط حمل باشد، مجازات پیش بینی شده بود. نکته قابل توجه در این مواد آن است که قانونگذار از سقط جنین به سقط حمل تعبیر کرده است. لفظ حمل از نظر پزشکی دارای معنایی اخص از لفظ جنین می باشد؛ زیرا حمل مرحله ای از رشد جنین است که تکامل بیشتری در آن دیده می شود و اغلب دارای آثار حیات است. به طوری که معمولاً به دوران هفت ماهگی تا قبل از تولد طفل، کلمه حمل اطلاق می شود. (ویدی، ۱۳۷۳: ص ۱۲۱) اما از نظر لغوی و عرفی حمل و جنین به یک معنا به کار برده می شوند. (ابن منظور، ۱۴۱۰: ج ۱۳، ص ۹۳؛ همان، ج ۱۱، ص ۱۷۶) در متون قانونی نیز نوعاً این دو واژه مترادف یکدیگر قلمداد شده و تفاوتی بین آن هان نیست. پس منظور قانونگذار از سقط حمل همان سقط جنین می باشد. به علاوه قانونگذار قبل از انقلاب اسلامی سقط جنین طبی را با توجه به اهمیت نقش درمانی آن برای مادر، با شرایط خاصی پذیرفته بود. در ماده ۴۲ آیین نامه اجرایی قانون مجازات عمومی که ناظر به عوامل موجهه جرم بود، فقط سقط جنین توسط پزشک را مجاز دانسته بود و در ماده ۳ آیین نامه مزبور شرایط دیگری را اضافه نموده بود از جمله، علل سقط جنین به نظر پزشک، کافی و موجه باشد؛ خطر جسمانی قابل پیش بینی برای

زن وجود نداشته باشد و بیش از دوازده هفته از شروع بارداری نگذشته باشد. همچنین در ماده ۱۷ آیین نامه انتظامی نظام پزشکی مصوب کمیسیون های مشترک بهداشتی و دادگستری مجلسین وقت در سال ۱۳۴۸، سقط جنین را به طور مطلق و در راستای سلامت مادر، پذیرفته و تشریفاتی را برای سقط جنین توسط پزشکان ذکر کرده بود. برای مثال، پزشک موظف بود پس از مشاوره با دو پزشک دیگر، به عمل سقط جنین اقدام و آن را ظرف ۲۴ ساعت به هیأت مدیره نظام پزشکی اعلام نماید. بدین ترتیب به پزشکان اجازه داده می شد برای سلامت جان مادر صرف نظر از اینکه روح در جنین دمیده شده یا نشده باشد، اقدام به سقط جنین کنند.

قانون مزبور تا زمان تصویب قانون دیات و قانون تعزیرات، قابل اجرا بود؛ ولی از آنجا که قانون سابق با اهداف انقلاب اسلامی، از جمله تحقق مبانی و احکام اسلام مغایرت داشت، به طور کلی تغییر یافت. بنابراین با توجه به احکام اسلام، در قانون دیات مصوب ۲۴ آذر ماه ۱۳۶۱ احکام مربوط به دیه سقط جنین بیان شد و سپس قانونگذار در مرداد ماه سال ۱۳۶۲ برای افرادی که به هر نحو ممکن زنی را که مایل به سقط جنین باشد، همراهی کنند، مجازات پیش بینی نمود. (دطنی، ۱۳۶۳: ص ۳۴۳)

این قانون که به صورت آزمایشی تصویب شده بود، سرانجام در سال های ۱۳۷۵-۱۳۷۰ به تصویب نهایی رسید. (منصور، ۱۳۷۷: صص ۱۷۲، ۱۶۹، ۱۲۸) با این تفاوت که در قانون سابق، برای سقط جنین عمدی کفاره معین شده بود و در مقابل در قانون لاحق، برای صدمه ی وارد بر مادر علاوه بر دیه، ارزش نیز پیش بینی شده است.

در حقوق ایران بعد از انقلاب اسلامی مواد ۴۹۳-۴۸۷ ق.م.ا. به دیه سقط جنین اختصاص دارد و قانونگذار برای سقط جنین در مراحل مختلف، حتی در حالتی که نطفه ای بیش نیست، دیه معین کرده است. مواد ۶۲۴-۶۲۲ نیز مجازات تعزیری برای سقط جنین پیش بینی کرده است و برابر نظریه شماره ۷/۲۱۷۱ مورخ ۶۶/۶/۷ اداره حقوقی دادگستری، سقط جنین ناشی از زنا را مانند سقط جنین ناشی از حلال، دارای کیفر و مجازات معرفی می کند. (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ص ۱۲۰) همچنین مواد ۷۱۶-۷۱۵ فرق بین اخراج قبل از موعد جنین زنده، ولی قابل زیستن یا وضع حمل قبل از موعد طبیعی، با سقط جنین را بیان می کند. (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ص ۱۲۰)

در ماده ۶۲۳ ق.م.ا. بین اینکه سقط جنین در روزهای اولیه انعقاد نطفه انجام پذیرد یا در روزهای آخر حاملگی که جنین شکل یک انسان کامل را به خود گرفته باشد، فرق قائل نشده است و تنها در موردی که سقط جنین به منظور حفظ جان مادر لازم باشد، مجاز شمرده است. البته این جواز سقط، ناظر به موردی است که هنوز روح در جنین دمیده نشده باشد، لکن در قانون قیدی در این مورد نیامده است. هر چند شورای نگهبان در نظریه شماره ۶۰۵۳ مورخ ۱۳۶۳/۱۷۱۹ در خصوص ماده ۱۷ آیین نامه انتظامی نظام پزشکی مصوب کمیسیون های مشترک بهداشتی و دادگستری مجلسین رژیم منحل از لحاظ انطباق آن با موازین شرعی، سقط جنین برای حفظ جان مادر را تنها در صورت دمیده نشدن روح در جنین جایز می داند. این نظریه که با اکثریت آراء به تصویب رسید به شرح ذیل است:

«ماده ۱۷ که دلالت بر سقط جنین برای سلامت مادر دارد به طور اطلاق، شرعی نمی باشد؛ زیرا سقط جنین برای حفظ مادر صورت مختلف دارد. لذا باید صور مختلف آن مشخص گردد. مثلاً در مواردی که قبل از دمیده شدن روح در جنین یقین یا خوف عقلایی حاصل شود به تلف مادر و توقف حفظ نفس او بر سقط جنینی که در این حال هنوز روح در او دمیده نشده، جایز است و در مورد پس از دمیده شدن روح اگر امر دائر باشد بین حفظ یکی از آن ها به این صورت که اگر اقدامی نشود یا مادر جان به سلامت می برد یا جنین، سقط جنین برای حفظ جان مادر جایز نیست و در سایر موارد نیز باید مشخص شود و حکم مطابق موضوع تعیین گردد» (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ص ۲۱۳).

با توجه به نظریه فوق، ماده ۶۲۳ ق.م.ا. تخصیص می خورد و تنها شامل موردی می شود که روح در جنین دمیده نشده باشد؛ اما پس از آن، حفظ حیات مادر در مقایسه با جنین ترجیحی ندارد.

۱۳) خلأهای قانونی و پیشنهاد رفع

قانونگذار ایران پس از انقلاب اسلامی با توجه به متون فقهی و دیدگاه های فقهای امامیه، سقط جنین را از همان مراحل اولیه استقرار نطفه در رحم قابل مجازات دانسته است و برای مراحل قبل و بعد از حلول روح در جنین، میزان دیه را به طور متفاوت بیان نموده و به علاوه در

مورد کسی که موجبات سقط جنین زن باردار را فراهم نماید، مجازات تعزیری حبس از سه ماه تا پنج سال پیش بینی نموده است و تنها سقط جنین به منظور نجات جان مادر را به عنوان استثناء مطرح کرده است. قطعاً هدف قانونگذار از بکار بردن جمله «مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر باشد» در ماده ۶۲۳ ق.م.ا.م این است که خطری که مادر را تهدید می کند قریب الوقوع باشد یا شرایط خطرناکی پیش آمده باشد که ادامه حاملگی را مخاطره آمیز نماید؛ گرچه ممکن است تداوم و گسترش کامل این خطر، کم و بیش به تعویق افتد.

نقص قانون فوق الذکر این بود که مرجع تشخیص این ضرورت را معین نکرده بود و به همین جهت حتی دادگاه ها ملاک مشخصی برای صدور مجوز سقط جنین نداشتند و در نتیجه قانون مزبور در کاهش خاتمه دادن به سقط های غیر مجاز ناتوان بود و روز به روز تعداد سقط جنین های مخفیانه و غیرقانونی افزایش می یافت. به منظور برطرف نمودن این خلأ قانونی برخی از نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی طرح موسوم به «سقط درمانی» را طی یک ماده واحده به مجلس ارائه کردند که در آن سقط درمانی با تشخیص سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که پس از ولادت موجب عسر و حرج والدین یا طفل می شود، قبل از ولوج روح «چهار ماهگی» با رضایت زن و شوهر و گواهی محکمه صالحه مجاز می شود. طرح مزبور فقط ناظر به حالت هایی است که جنین، ناقص الخلقه و بیمار باشد و شامل مواردی که ادامه بارداری برای مادر مخاطره آمیز باشد و سلامت جسمانی و روانی مادر را تهدید نماید، نمی شود. به علاوه در طرح پیشنهادی، تشریفات صدور مجوز سقط جنین به دلیل نیاز به گواهی محکمه صالحه طولانی بود، حال آن که قاضی دادگاه بر اساس نظر کارشناسان (پزشکان متخصص) رأی صادر می کرد که این منظور، بدون رأی قاضی نیز تأمین می شد. علیهذا طرح مزبور با اصلاحاتی طی ماده واحده ای بار دیگر در نود و هفتمین جلسه علنی مجلس هفتم مطرح و در نود و هشتمین جلسه مورخ ۲۳ فروردین ماه ۱۳۸۴ به شرح ذیل تصویب شد:

«سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که پس از ولادت موجب عسر و حرج والدین یا طفل می شود و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه و ده روز) با رضایت زن و شوهر مجاز می باشد و

مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.»

این مصوبه چنان که در مشروح مذاکرات مجلس آمده (روزنامه رسمی، ش ۱۷۵۴۱، ص ۲۸) دارای دو بخش است. بخش اول مربوط به جنین های ناقص الخلقه ای است که نگهداری آنان پس از تولد موجب عسر و حرج والدین یا طفل می شود و بخش دوم مربوط به مواردی است که ادامه حاملگی جنین بیمار، موجب تهدید جانی مادر بشود. بدیهی است قطع حاملگی با گواهی قطعی سه پزشک و تأیید کتبی پزشکی قانونی مبنی بر تهدید جانی مادر، قبل از ولوج روح بلا مانع و دارای مبنای فقهی، شرعی و عقلی است. در این بخش چند انتقاد به طرح مزبور بیان می گردد:

(الف) - با توجه به فتاوی علمای از جمله امام خمینی (ره) سقط جنین در حاملگی که برای مادر خطر جانی داشته است، قبل از ولوج روح مطلقاً جایز است؛ یعنی حتی در صورت سالم بودن جنین اگر ادامه حاملگی برای مادر مخاطره آمیز باشد، سقط جایز است.

(ب) - شرط رضایت شوهر در این فرض دارای مبنای فقهی و عقلایی نیست؛ زیرا وقتی جان مادر تهدید می شود، مجوز شرعی برای سقط وجود دارد، خواه شوهر راضی باشد یا نباشد. به علاوه در فتاوی علمای نیز این مجوز مقید به رضایت شوهر نشده است.

(ج) - شایسته بود در مواردی که ادامه بارداری، سلامت مادر را تهدید می کند و موجب آسیب جسمانی یا روانی شدید به زن می شود نیز سقط جنین مجاز شمرده می شد.

در بخش دیگر این ماده واحده که با ملاک عسر و حرج سقط جنین بیمار و ناقص الخلقه مجاز شمرده شده، گامی مثبت و بلند برای تأمین امنیت و سلامتی مادر و کودک برداشته شده، به طوری که با اجرای دقیق آن از تولد بچه های ناقص الخلقه و عقب مانده و صرف هزینه های گزاف (۲۰۰۰ میلیارد تومان در سال) نگهداری آنان جلوگیری می شود و از طرفی جامعه نیز شاهد تلف شدن مادران، در اثر سقط های غیر قانونی و غیر بهداشتی نخواهد بود؛ اما نکته مهم، ملاک عسر و حرج می باشد که باید با دیدگاه فقها و ادله شرعی استنباط حکم سقط جنین هماهنگ و ضابطه مند باشد و مصادیق آن کاملاً احصاء شود. بنابراین مقبولیت نزد عامه و عرف نمی تواند ملاک قانونمندی باشد، چرا که حضرت لوط (ع) علیرغم مقبولیت عمل شنیع لواط در میان قوم خود، در مقابل یک امر «مجمع علیه» قیام فرمود؛ پس در تعیین ملاک، مصلحت انسان بدانگونه

که خداوند دانای حکیم لطیف مقرر فرموده است، باید مورد ملاحظه قرار گیرد. امید است افرادی که تخصص کامل در این زمینه دارند، با آگاهی از مقتضیات زمان آیین نامه اجرایی طرح مزبور را به گونه ای تنظیم نمایند که مانع هر گونه سوء استفاده از قانون گردد.

با توجه به مطالب بیان شده، پیشنهاد می شود ماده واحده به صورت ذیل اصلاح شود:

«سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی قبل از ولوج

روح (چهار ماه و ده روز) در موارد زیر مجاز می باشد و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر

نخواهد بود: ۱- در صورت بیماری جنین که پس از ولادت موجب عسر و حرج والدین یا طفل

شود، بارضایت زن و شوهر؛ ۲- در صورت بیماری مادر که ادامه حاملگی با تهدید جانی یا آسیب

جسمانی یا روانی شدید توأم باشد».

فهرست منابع:



◆ قرآن کریم

◆ انجیل، انجمن کتاب مقدس ایران.

◆ آریان پور، عباس: «فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی»، چ سوم، امیرکبیر، ۱۳۶۹.

◆ آشوری، محمد: «عدالت کیفری»، مجموعه مقالات، چ اول، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶.

◆ آیت الهی، زهرا: «زن و خانواده»، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، چ اول، تهران، ۱۳۸۱.

◆ ابن منظور، جمال الدین محمد: «لسان العرب»، الطبعة الاولى، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۰.

◆ اردبیلی غروی حائری، محمدبن علی: «جامع الرواة»، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ق.

◆ اشرفی، منصور: «اخلاق پزشکی»، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ۱۳۶۷.

◆ افتخاری قرهی، اصغر: «زنان و آینده خانواده»، فصلنامه کتاب زنان، زمستان ۱۳۸۱.

◆ بی آزار شیرازی، عبدالکریم: «رساله نوین فقهی پزشکی (بهداشت)»، تهران، ۱۳۷۵.

◆ بی آزار شیرازی، عبدالکریم: «رساله نوین مسائل خانوادگی»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ یازدهم،

تهران، ۱۳۷۱.

◆ پاد، ابراهیم: «حقوق کیفری اختصاصی»، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۷.

- ♦ جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، «الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية»، دارالعالم الاسلامية، بیروت، بی تا.
- ♦ جرّ، خلیل: «فرهنگ عربی به فارسی لا روس»، حمید طبیبیان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.
- ♦ جعفری لنگرودی، محمدجعفر: «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، ج اول، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- ♦ جناتی، محمدابراهیم: «رساله توضیح المسائل»، استفتانات، ج اول، انصاریان، قم، ۱۳۸۲.
- ♦ حر عاملی، محمدبن الحسن: «وسائل الشیعة»، الطبعة الاولى، مؤسسة آل البيت التراث، قم، ۱۴۱۲ق.
- ♦ حسینی خامنه ای، علی، «رساله اجوبة الاستفتانات»، احمد رضا حسینی، ج اول، انتشارات بین المللی هدی، تهران، ۱۳۸۰.
- ♦ حسینی شیرازی: محمد، «الفقه کتاب الواجبات»، الطبعة الثانية، دارالعلوم، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ♦ رایجیان اصلی، مهرداد: «تبیین استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران»، ماهنامه حقوق دادگستری، ۱۳۸۱.
- ♦ رزم ساز، بابک: «بررسی فقهی و حقوقی سقط جنین»، ج اول، خط سوم، تهران، ۱۳۷۹.
- ♦ الزیات، احمدحسن؛ مصطفی، ابراهیم؛ عبدالقادر، حامد؛ النجار، محمدعلی: «المعجم الوسیط»، دارالدعوة، استانبول، ۱۹۸۹م.
- ♦ سبحانی، جعفر: «اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایة»، الطبعة الخامسة، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، قم، ۱۴۲۰ق.
- ♦ شکری، رضا؛ قادر، سیروس: «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی»، ج اول، مهاجر، تهران، ۱۳۸۱.
- ♦ صافی، لطف اله: «استفتانات پزشکی»، ج اول، دارالقرآن، قم، بی تا.
- ♦ صانعی، یوسف: «فقه الثقلین فی شرح تحریر الوسیلة»، کتاب الفصاح، الطبعة الاولى، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی ره، تهران، ۱۳۸۲.
- ♦ طوسی، محمدبن الحسن: «تهذیب الاحکام»، تصحیح علی اکبر الغفاری، الطبعة الاولى، نشر صدوق، تهران، ۱۴۱۸ق.
- ♦ عباسی، محمود: «حقوق پزشکی»، مجموعه مقالات، انتشارات حقوقی، تهران، ۱۳۷۹.
- ♦ عباسی، محمود: «حقوق پزشکی»، مجموعه مقالات، انتشارات حقوقی، ج دوم، تهران، ۱۳۸۳.

- ◆ عباسی، محمود: «سقط جنین»، انتشارات حقوقی، چ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- ◆ عزیزی، فریدون: «فقه و طب، مصادیق پزشکی»، فتاوی حضرت امام خمینی ره، چ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- ◆ عمید، حسن «فرهنگ فارسی عمید»، چ یازدهم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- ◆ غانم، عمرین محمد: «احکام الجنین فی الفقه الاسلامی»، الطبعة الاولى، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ◆ فاضل لنکرانی، محمد: «جامع المسائل»، چ پنجم، مهر، قم، ۱۳۷۷.
- ◆ فریدمن، جین: «فمینیسم»، فیروزه مهاجر، چ اول، آشیان، تهران، ۱۳۸۱.
- ◆ قائمی، محمد: «المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة المسائل الطیبة»، الطبعة الاولى، مرکز فقه الائمة الاطهار، قم، ۱۴۲۴ق.
- ◆ قضایی، صمد: «پزشکی قانونی»، دانشگاه تهران، چ سوم، ۱۳۷۳.
- ◆ کورت، استفانی: «جامعه شناسی جنسیت»، کتابیون بقایی، چ اول، نشر دیگر، تهران، ۱۳۸۲.
- ◆ گلدوزیان، ایرج: «محشای قانون مجازات اسلامی»، چ سوم، مجد، تهران، مرداد ۱۳۸۳.
- ◆ گلدوزیان، ایرج: «حقوق جزای اختصاصی»، چ دهم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ◆ متمسک، رضا: «فمینیسم اسلامی - واقعیت ها و چالش ها»، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی و مشکلات زنان، اولویت ها و رویکردها، چ اول، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، ۱۳۸۰.
- ◆ محسنی، محمد آصف: «الفقه و المسائل الطیبة»، الطبعة الاولى، یاران، قم، بی تا.
- ◆ محقق داماد، مصطفی: «تحقیقی در مورد سقط جنین، عوارض و مسائل و موضوعات پیرامون آن»، مجموعه مقالات اخلاق پزشکی، مرکز مطالعات اخلاق پزشکی، تهران، ۱۳۷۳.
- ◆ مشیرزاده، حمیرا، «از جنبش تانظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم»، چ اول، نشر پژوهش شیراز، تهران، ۱۳۸۲.
- ◆ مطهری، مرتضی: «نظام حقوق زن در اسلام»، چ چهاردهم، صدرا، قم، ۱۳۶۹.
- ◆ مظفر، محمدرضا: «اصول الفقه»، دانش اسلامی، قم، ۱۴۰۵ق.
- ◆ معلوف، لویس: «فرهنگ بزرگ جامع نوین»، احمد سیاح، چ دوم، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸.
- ◆ مک دونالد، گینگهام؛ ویلیامز: «بارداری و زایمان»، رامین اشتیاق و همکاران، چ دوم، نشر اشتیاق، تهران، ۱۳۷۶.

سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم

- ◆ مکارم شیرازی، ناصر: «استفتائات جدید»، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژاد، چ سوم، مؤسسه علمی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۳۸۱.
- ◆ مکارم شیرازی، ناصر: «بحوث فقیهه هامة (مهمة)»، الطبعة الاولى، مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۴۲۲ ق.
- ◆ منصور نژاد، محمد: «مسأله زن، اسلام و فمینیسم (در دفاع از حقوق زنان)»، برگ زیتون، تهران، ۱۳۸۱.
- ◆ موسوی خویی، سید ابوالقاسم: «مبانی تکلمه المنهاج»، الطبعة الثانية، المطبعة العلمية، قم، ۱۳۹۶ ق.
- ◆ میشل آندره، «جنبش زنان فمینیسم»، همانزجانی زاده، چ اول، نیکا، مشهد، ۱۳۸۳.
- ◆ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ بادامچی، حسین: «تاریخ حقوق کیفری بین النهرین»، چ اول، سمت، تهران، ۱۳۸۳.
- ◆ نجفی، محمدحسن: «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، الطبعة السابعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ◆ هاجری، عبدالرسول: «فمینیسم جهانی و چالش های پیش رو»، چ اول، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳.
- ◆ وحید دستجردی، مرضیه: «سقط جنین»، چ اول، معاونت امور فرهنگی حقوقی مجلس و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تهران، ۱۳۷۲.
- ◆ ولیدی، محمد صالح: «حقوق جزای اختصاصی»، جرائم علیه اشخاص، چ سوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳.
- ◆ _____: «اخلاق پزشکی»، چ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- ◆ _____: «دایرة المعارف تشیع»، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران خانی، بهاء الدین خرمشاهی، چ اول، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۸۱.
- ◆ _____: «قانون مجازات اسلامی»، تدوین جهانگیر منصور، چ سوم، دیدار، تهران، ۱۳۷۷.
- ◆ _____: «مجموعه قوانین سال ۱۳۶۳»، نشریه روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- ◆ _____: «مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی»، تدوین غلامرضا حجتی اشرفی، گنج دانش، تهران، ۱۳۵۵.
- ◆ _____: «مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی»، گردآورنده محمدحسن وطنی، چ اول، فردوسی، تهران، ۱۳۶۳.
- ◆ _____: «نگاهی به فمینیسم»، معاونت امور اساتید و دروس معارف، مؤسسه فرهنگی طه، قم، آذر ۱۳۷۷.

- ◆ Beauchamp, Tom, L. And Walters, Leroy. , **Contemporary Issues in Bioethics**, wards worth, 1999.
- ◆ Beckwith, Francies. J. , **Do the right thing**, Jonse and Bartlet, 1996.
- ◆ Hare, R.M. , **Essays on Bioethics**, Clarendon press, Oxford, 1993.
- ◆ Kuhse, Helga and Singer, peter, **A companion to Bioethics**, Blackwell, 1989.
- ◆ Shannon, Thomas A. , **Bioethics**, Paulist press, 1993.
- ◆ _____ , **Bioethics, An Anthology**, Blackwell, 1989.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی